

می رسد پس کلیه نقره رانده این استکه در یکقران خواهند قیمت بست و اینهم که همین شد که در چهار ماه يك مبلغی سکه شود چیزی استکه بایستی مجلس در آن توجه کند و او اینست که دست دولت در سکه تا يك اندازه باز باشد و اینکه دیروز در اینجا مباحثه شد و تا يك اندازه رای دادیم بوزرای خودمان که داخل مذاکرات بشوند برای ا-تقرض امروز تحمل صرفه در این باشد که عوض اینکه برات بضر و بیارود نقره بخواهد و در اینجا سکه کند و البته صرفه دولت هم خواهد بود و وقتی که دولت مجبور شد که از آنجا نقره بیارود و سکه کند باید برای فروش اقلا يك سهمی داشته باشد و تا اکنون بانک شاهنشاهی همین طور مذاکرات میکنند که الان که يك کرور پول می خواهد يك کرور اجباری يك کرور اختیاری این را هم لازم می دانم که وزیر مالیه مجبور کند که اگر بانک نخواست بتجار داخله خودمان داده شود

**ارباب کیخسرو** - غالب مطالب بنده را آقای صدیق حضرت فرمودند در صورتیکه مملکت محتاج يك سکه رایج است دیگر نمیشود این کمیسیون که نشسته است و فکر کرده است و رای داده است و میزان آنرا منوط با احتیاج مملکت کرده است رد کرد و اشخاصیکه تجارت میکنند و نقره می آورند و در حقیقت ضرر این تجارت بیات وارد می آید .

**حاجی سید نصر الله** - گمان میکنم که راپورت کمیسیون کافی نبود اگر تجزیه شود مطلب بدو قسم منقسم میشود یکی ضرب سکه و یکی هم مسئله امتیاز است که رد و قبول با مجلس است یکی راجع است باینکه باین ترتیب که وارد میشود سود دارد بایران طرفین مباحثه یکدلیل صحیحی هم ندارند آنطوری که آقای میرزا مرتضی قلیخان میگویند و یک دلیل صحیحی هم بیان نکردند اما تقاد بنده این است که يك مذاکره در کمیسیون لازم است از آقایانی که داوطلب هستند برای این مباحثه که یکی آقای تقی زاده است تا نتیجه آراء خوب روشن شود .

**متمین السلطنه** - بنده تأیید میکنم فرمایش آقای حاجی سید نصر الله را و میگویم ترتیب صحبت امروز بر خلاف ترتیب است زیرا که اذهان و کلا مسبوق و مطلب خیلی غامض است بنده تصور می کنم این کار نمیشود مگر از فرط اطلاع آنهاست که چهار پنج سال در این کار زحمت کشیده اند تصور میکنم این مطلب مطلبی نیست که در ظرف دو ساعت تمام شود خوب است در اینجا این جلسه آینده مذاکره شود تا حل شود

**شیبانی** - در این که نقره جنسی است و در زیاد او ضرر است حرفی نیست ولی در رد و قبول اینکه سکه شود یا نشود نمیتوانم صحیحاً رای بدهم زیرا که نفع و ضررش را کاملاً اطلاع نداریم اما در این که نقره جنسی است مسلم است و اینکه جنسی وقتی زیاد شد برای افراد مردم ضرر است محل شبهه نیست پس لازم است که دقت کاملی بشود اگر محل لزوم است سکه بشود ولی باندازه و این ممکن نیست مگر همانطوریکه آقایان فرمودند که در کمیسیون بنشینند و اگر چنانچه از خارج هم داخل کنند که دقت کامل بشود و از روی صحت اطلاع اجازه داده شود اسباب خیلی امیدواری خواهد بود

**وزیر زاده** - بنده عرض میکنم خیلی فرق است بین اضطرار و اختیار از لایحه وزیر مالیه طوری

استنباط میکنم که وزیر مالیه مجبور است و این مذاکرات منافی است خوب است که در يك مجلس خود وزیر مالیه بیاید و توضیحات بدهد آنهم در مجلس باشد نه در کمیسیون

**تقی زاده** - بنده این طور که تجزیه کردم عرض بنده در این نیست که کتترات موافق اصل ۳۵ از قانون اساسی باشد عرضم این بود که مسئله نقره باید در مجلس حل شود که آیا اجازه داده شود یا نشود و یا چه اندازه وارد کنند مجلس باید منافع را در نظر بگیرد نه آنطور که وزیر مالیه در نظر نگرفته است که منافع آن بدولت برسد حساب مختصری که الان بنده اینجا نوشته ام ۲۴ پنس يك لیره انگلیسی است بنده ۲۴ رومی کم می گیرم يك لیره هم پنج تومان و چهار هزار است و مخارج حمل نقره تا تهران صدی ۱۲ یا ۱۳ هم را زیاد می گیریم درجه آخر با این موازین نهصد دینار در تهران وارد خواهد شد و در یکقران صدی هشت منفعت میکند و در صورتیکه در سال سه دفعه تکرار شود صدی ۲۴ هزار دولت نفع میبرد اگر این بتجار داده شود يك عیب دیگری پیدا میشود و آن این است که يك حس رقابتی بین ایشان پیدا می شود و آنوقت میریزند اینجا و از ولایات بوکلای خودشان استغاثه میکنند که شما آنجا نشسته اید چه میکنید و هر کس بسرچشمه نزدیکتر است منافع را میخواهد خودش ببرد تجارت تهران در هر امتیاز همیشه خودشان را پیش می اندازند تمام تجار ایران باید متساوی باشند پس باید دولت تمام ایران اعلان بکند که هر کس بیشتر بر میدارد او اسبق است

**لسان الحکماء** - بنده میخواستم عرض کنم در خصوص نظامنامه ولی دیدم تجزیه و احتیاط مارا مجبور کرد قانونی که در قرن بیستم دول متدنه آنرا مجری می دارند مجری کنیم و آن این است که هر مطلبی یا لوایح قانونی که وارد مجلس می شود اول در کمیسیون وارد میشود پس از مذاکره با ادله و براین هر چه باشد ۲۴ ساعت قبل از مذاکره طبع و توزیع میشود تا اذهان و کلا مسبوق باشد و در موقع مذاکره در صحت و عدم صحت از روی اطلاع رای خودشان اظهار کنند

**رئیس** - اما اینجا يك ضرورتی داعی بود که آن کمیسیون تشکیل شد و از حسن اتفاق اشخاصی که آن کمیسیون را ترتیب دادند اشخاص با کفایت بودند این که بعضی از آقایان خیال می کنند چطور کمیسیون باین زودی کار خودش را تمام کرده است

بجهت این است که اعضای آن کسانی بوده اند که ممارست در این کار داشتند فعلاً آقای تقی زاده و آقای صدیق حضرت و وکیل الرعایا و وکیل التجار که حاضرند در کمیسیون مالیه مشغول این کار بودند و هم بصیرت در این کار دارند و از روی بصیرت راپورت خودشان را نوشته اند و حالا اینکه بعضی از آقایان بعضی مذاکرات کردند که دولت خودش متحمل این کار باشد این خودش يك مبحث جدیدی است و باید رجوع شود بآن کمیسیون که اردا ساعتی را خودشان معین بکنند و آقایانی که نظریاتی در این باب دارند تشریف ببرند و در آن کمیسیون نظریات خودشانرا اظهار دارند باید يك راپورت صحیحی بدهند که در جلسه دیگر رای داده شود حالا موقه دو کمیسیون لازم است یکی کمیسیون مالیه و یکی

کمیسیون برای بودجه های موقتی و مخارجات فوق العاده ضروری دیروز در اینجا قید شد که مخارج بودجه های موقتی باید بتصویب مجلس باشد و هم چنین برای مخارج فوق العاده وزیر مالیه يك کمیسیون خواسته است چون آن کمیسیون حالا چند روز است منحل شده است غیر از این دوسه نقره که در کمیسیون سابق اصلاح شده و قبول شده است و یکی هم کمیسیون موقتی داخله برای نوشتجاتی که وارد مجلس شورای ملی شده است راجع بمنافشاتی که از ولایات مابین بلدییه و وزارت مالیه واقع شده دیگر برای رسیدگی باظهارات اجن های ولایاتی از قبیل انجمن بازرگان و ساری و سمنان و دامغان و همچنین برای مذاکره لایحه وزارت داخله برای اضافه کردن چهار کی یکمبایی بر گوشت برای اوله کشیدن مجرای آبها که در این کمیسیون موقتی که تشکیل میشود مذاکره شود و کلا در روز شنبه حاضر خواهند شد زیرا که نظامنامه داخلی را که اعضای کمیسیون وعده داده اند برای روز شنبه حاضر خواهند شد این يك نظامنامه است مفصل و باید چند دفعه خوانده شود و گمان میکنم چند روز وقت مجلس را معطل کند تا آن چندروز این دوسه نقره را که عرض کردم نمیشود معطل کرد خصوصاً کمیسیون موقتی را که وزارت مالیه خواسته است و بر آن کمیسیون مالیه هشت نقره کافی است برای این که مطالبی که وارد آن کمیسیون میشود اهمیت دارد و از برای کمیسیون موقتی داخله شش نفر لازم است

**حسنعلیخان** - بنده میخواستم مقدّم کنم که چند روز قبل که از طرف هیئت رئیسه اخطار شد که کمیسیون باید تشکیل بدهند گمان میکنم بعد از آنی که نظامنامه داخلی تمام شد این کمیسیونها تشکیل شود زیرا که اگر این کمیسیونها معین شود بعد از اتمام نظامنامه مجبور خواهیم بود که دو مرتبه این کمیسیونها را بهم زده تجدید انتخاب کنیم .

**رئیس** - خیر این که گفته شد برای این است که این کمیسیونها در این موقع بسیار لازم است این که میگویند از روی نظامنامه جدید اولاً هنوز نظامنامه سابق نسخ نشده است و دیگر آنکه خود سرکار میدانید که آن نظامنامه بسیار مفصل است و طول خواهد کشید و اینها فعلاً لازم است البته بعد از آنکه نظامنامه جدید تمام شد بطرز جدید ثانیاً کمیسیونها موافق آن نظامنامه تشکیل خواهد شد ( در این موقع ورقه رای برای انتخاب هشت نفر اعضای کمیسیون موقتی مالیه توزیع و اخذ رای شد صدیق حضرت ( ۵۳ ) رای موتمن الملک ( ۳۲ ) رای میرزا اسدالله خان ( ۲۵ ) رای متمدن التجار ( ۲۰ ) رای تقی زاده ( ۱۸ ) رای وکیل الرعایا ( ۱۸ ) رای میرزا مرتضی قلیخان ( ۱۶ ) رای معین الرعایا ( ۱۵ ) رای .

**رئیس** - آقایان اعضای کمیسیون باید فردا تشریف بیآورند و رئیس و منشی خودشان را معین کنند و اگر لازم است بوزیر مالیه هم اظهار شود تشریف بیآورند مذاکرات بشود ( پس از انقضای مجلس ثانیاً بتوسط زنك و کلارا حاضر نمودند )

**رئیس** - نظامنامه داخلی مجلس تمام شده است با آقایان و کلا داده میشود هر کس توضیح در مواد میخواهد با آقای موتمن الملک اظهار کند که روز شنبه ایشان حاضرند برای دادن توضیح ( مجلس یک ساعت و ربع از شب پنجشنبه ختم شد )

جلسه ۱۵

مذاکرات روز شنبه ۲۷

ذیقعدۃ الحرام ۱۳۲۷

مجلس دوساعت و ربع کم قبل از غروب منعقد شد معاضدالملک خلاصه مذاکرات جلسه قبل را قرائت کردند .

رئیس - ملاحظه در این خلاصه هست (اظهاری نشد) (رئیس صورت خلاصه را امضاء کردند) .

رئیس - مطلبی که امروز مطرح میشود بقیه مذاکره ضرب نقره و لویج وزارت مالیه در باب حقوق متوفیات و لایحه وزارت پست و تلگراف در باب تخفیف کرایه پست و تلگراف ارباب جرائد و قرائت نظامنامه داخلی مجلس .

( ذکاءالملک تلگرافات تبریک قرائت کرد ) (از خو علی قلی امیرنلو صمصامالملک) ( ازاصفهان سلطان محمد خان بختیاری ) ( راپورت کمیسیون ضرب نقره ) .

رئیس - باز فرمایشات در این باب از طرف آقایان هست یا اینکه همینطور تصویب کمیسیون را تصدیق میکنند (جوابی داده نشد) .

رئیس - خوبست مجدداً راپورت خوانده شود ( تائید قرائت شد ) .

صدیق حضرت - بنده عرض دارم چون هرچه در مجلس گذشته عرض شد تقریباً حرف بود یک دلیلی که واقماً دلیل واقعی باشد و کتبی باشد نه ما خودمان ارائه کردیم و نه طرف در جلسه که بیروز کردیم فرستادیم از کمرب صورت واردات و صادرات که چاپ میشود و سند دولتی است خواستیم و از سینه لوی نیل تا سینه پیچی نیل را معین کردیم که لوی نیل و نیلان نیل و یونت نیل و قوی نیل و پیچی نیل باشد معلوم شد که در این مدت پانزده کرور نقره چه پول و چه شمش وارد ایران شده و از داخل ۱۶ کرور خارج شده چه پول و چه نقره پس معلوم میشود در عرض این پنج سال از پولهایی سفید که داشتیم یک کرور هم علاوه بخارج داده ایم و یک راهی را که ما هیچ تلفت نبودیم و از روی آن صورت معلوم شده بهیچوجه است که مبلغ کزافی به بهیچوجه حمل میشده پس از این دلیل حمل دیگر ایرادی نداشته باشیم که این نقره در حمل نمی ماند این نقره میآید اینجا سکه میخورد و صدی بیستش میماند و از اینجا خارج میشود و میروند و یک کرور هم علاوه میرود .

وکیل التجار - یکی از عیوبات بزرگ سکه نقره در سابق این بود که هیچ مأخذی برای ارفار نمیدادند و هیچ وقت ملاحظه قیمت نقره را نمیکردند این بود که در مواقعی که نقره زیاد می آمد و سکه میشد صحیح میگرفتند که ضرر به میزان قیمت نقره میزد علت این بود که در موقعی که نقره در فرنگستان ارزان بود میخریدند و وقتی که اینجا میآوردند بدون اینکه ضراب خانه یا وزارت مالیه سابق ملاحظه قیمت آن را نمایند در صورتیکه مثالی نهصد دینار برای آنها وارد میشد سه شاهی تفاوت فقط برای آنها اسباب این میشد که در موقع برای رسانیدن پول و خریدن نقره اگر تنزیلی میدادند باز مبلتی فایده برای آنها بود و امروز این ملاحظه با مذاکراتی که با حضور وزیر مالیه شده است اول

این ملاحظات تمام شده و اول اینها را تمام مسوق شدند و ملاحظه قیمت امروزه نقره و بامخارجی که از لندن باینجا وارد میشود و یک جزئی منفعتی که بصاحبش میرسد باقی را از قیمت کسر میکنند یعنی دیگر کنتراست نمی شود با کسی که ضراب خانه مثل یک دکان زرگری مزد بگیرد بلکه نقره را بقیمت میخرد و قران را عوض پول بصاحبان آورد میکنند باین تفصیل گمان میکنم باین ملاحظه که وزارت مالیه و ضرابخانه میکنند و متعهد شده اند بکنند هیچ وقت نمیتوانند ضرری وارد بیاورند و همین طور که کفتم این نقره هم در ایران نمی ماند می رود در ترکستان چون طرف ترکستان در باد کوبه خودم سالها بوده ام و همین سال گذشته هم که قران متصل بخارج میرفت یعنی بترکستان میرفت چون آنجا پولشان قران است و طرف افغانستان قیر از قران پول دیگر قبول نمیکند خواستند رواج بدهند حتی قران مثل پنج قرانی هم سکه زدند و فرستادند ممکن نشد فقط پول نقره حال این را دارد که یک مال التجار دایست که بمملکت وارد میشود و خارج میشود برای ضرابخانه و دولت و یک حقی هم برای آنکسانیکه حمل و نقل میکنند باقی میماند عمده بهمین جهت بود که ملاحظه شد که عیناً بر میگردد اگر این در مملکت ما می ماند و پشت سر هم سکه میشد آن را که تصور میکنند صحیح بود ولی نمی ماند .

میرزا امیر قاضی قلیخان - همینطور که آقای صدیق حضرت اظهار کردند رسیدگی شد و نقره همین قسمتی که گفتند صادر و وارد شده است و مسام است آن چیزهایی که زیاد تر وارد شده فقط آن نقره هایی که مردم اسباب تحمل داشته اند بواسطه احتیاج مسکوک کرده اند و خارج کرده اند این از این راه بوده است ولی از این حساب چیزیکه معلوم شد و خیلی اهمیت داشت این است که در این پنج ساله متجاوز از صد کرور واردات ما زیاد تر از صادرات بوده و این واردات هرچه علاوه باشد قهراً ما بایست معادل آن طلا بدهیم و نقره که وارد شده اگر چه صدی ۱۵ برای ما منفعت کرده ولی از آن طرف ضرری که ما میزند طلا را بقدری ترقی میدهد که از عایدی ما در واقع زیاد تر خواهد شد مع ذلک با اینهمه گفتگو ها چون ثابت کردند که محل احتیاج است و باید لابد اقدام شود و مسکوکات زیاد بشود در صورتیکه بعنوان کنتراست نباشد که زیاد سکه بزنند و در واقع ضرابخانه مثل یک دکان باشد که همان قیمت از همان وجه مسکوک بگیرد گمان میکنم در این صورت عیبی نداشته باشد.

منتصر السلطان - در این خصوص بطوریکه فرمودند چون از قرار صدی بیست و چهار شانزده کرور که وارد شده است میشود هیجده کرور دو کرور هم زیاد میشود هیچوقت از نقره موجودی ما خارج نشده است .

اسدالله میرزا - عرض میکنم یکی از دلایل اشخاصیکه برضد وارد کردن نقره هستند اغلب این است که قیمت طلاها یا قیمت منات یا برات بالامی رود بنده از برای تحقیق این مطلب بیروز کدر اینجا مذاکره شد یک غوررسی کردم فراتر و منات در این چهار پنج سال اخیری که الان آقای صدیق حضرت فرمودند در چهار سال قبل قیمت قرانک دو هزار و سه عباسی بود در صورتی که آنوقت گویا هیچ نقره وارد این مملکت نمیکردند بتدریج تنزل کرد شد دوریال و بعد کمتر شد تا بدو قران رسیده سال اخیر که

مذاکره آوردن نقره بود ده دوازده کرور نقره آورده بودند و سکه کرده بودند رسیده بود (بصدور نود و هفت) و از دوهزار هم چیزی کمتر شده بود و مدت های مدید بود که قیمت قرانک بآن درجه تنزل نکرده بود بنده گمان میکنم با بودن این هرچه نقره زیاد تر آوردند سکه کردند قیمت قرانک تنزل کرد این را نمیشود دائمی فرزن کرد که آوردن نقره باعث ترقی طلا میشود باین ترتیب این مسئله ثابت می شود و به علاوه یک دلیلی قوی که بنده دارم امروز برای تصویب این کار این است که واقماً پول لازم است و اجازه اینکار حل بعضی مشکلات مازامی کند در صورتیکه هیچ ضرری بمانمی رسد .

فاتح الملک - بنده عرض میکنم اگر نظر مبارکستان باشد از تبریز بعضی از تجار تلگراف - رده بودند در خصوص همین مسئله نقره که اگر بنشیند بتجار بدهند ما هم بدهند حالا اگر یک اهلانی بشود بتجار شاید آنها هم صرفه دولت را بنظر بیاورند و هم اختصاص بیکدیگر نداشته باشد و هم این فایده را تمام تجار ببرند .

رئیس - حالا ترتیبات آوردن نقره اساساً اینجا از قرار راپورت کمیسیون بآن مذاکراتی که مفصلاً بعمل آمد در آن روز باید رای گرفته شود .

تقی زاده - ما آنروز در سر این مطلب مباحثه کردیم یکی این بود که نقره باید وارد شود و محدود باشد بموجب قانون لایحه که از طرف وزارت مالیه اینجا خوانده میشود معلوم میشود که باید در اینجا رای گرفته شود و بامضای نایب السلطنه برسد و مدت و مقدارش معلوم باشد همان لایحه مفصل وزارت مالیه که اینجا خوانده میشود و آنجا ادعا میکنند که ضرب سکه در تحت حکم وزارت مالیه است در این باب مباحثات زیاد بعمل آمد گویا نتیجه مذاکرات این شد که در اینجا باید رای گرفته شود و موافقت با قانون داشته باشد در اینجا رای گرفته نشد پس حالا بعد از آنی که معین شد از این مباحثه گذشتیم نوبت مباحثه در این است که نقره بیاوریم یا نیآوریم این باب هم در اصل آوردن نقره و مضراتش صحبت کنیم هم در مدارش هم در مدتش بالاخره موقوف باین میشود که مجلس تصویب میکنند آوردن نقره را یا نمیکند در باب سکه کردنش باید لایحه از وزارت مالیه مشتمل بر مقدار و مدت آن برسد چون قانون است وقتی که تصدیق کردیم آنوقت سه دفعه قرائت شود اگر چنانچه مجلس تصویب میکنند که باید بموجب قانون باشد و ترتیب قانونی در آنجا نلک نشود .

رئیس - مقداری را که آن کمیسیون معین کرده مجالس چهار کرور صلاح دانسته است مدت هم متوقف است .

بر همان مقدار اگر وزارت مالیه ده کرور هم تصویب میکرد چون کمیسیون مجلس چهار کرور تصویب کرده است و اساس مذاکرات هم مبتنی است بر او در حقیقت میزان و وقت معین شده است و در این که این را بشکل لایحه قانونی بنویسند عیب ندارد و الا اینکه نظر بباره ضروریاتی که مذاکراتش چندین ضروری نیست وزارت مالیه خیلی منتظر بود که این کار زود بگذرد .

وکیل التجار - بنده مجبور شدم یعنی فراموش شد که یک توضیح دیگر بدهم که علت این کمیسیون این کار را تصویب کرد ارزانی نقره بود که میتواند

وصات بدهد با قیمت نازلی که ما می‌خواهیم و یکمقداری که میتوانیم بیشتر از آن نفع ببریم که آن منفعت عاید دولت میشود و آن کسیکه بماند فروشد بلکه آن تفاوت و یک مظنه است که بموجب صورت معین که دادیم در چند سال فقط تقریباً بآن آخرین قیمتی است که گفته شد و اگر این را گفتیم بآن جهت این مقدار را امروز قرار بدهند و بخرند که قیمت همین باشد و در مدت چهار ماه تحویل بگیرند اگر بعد قیمت ترقی کرد آنوقت آن نرخ که امروز ملاحظه کردید این نقره را بخریم و آن تفاوتی را که امروز میبریم از این نقره بعد یقین است ترقی میکند و آن منفعت را میبریم علت آن است که آن مقدار در چهار ماه و چهار کرور معین شده است این بود که یکقدری کار داشته تا ضرابخانه آن نفعی را که منظور است از او ببرد باین جهت بود که این مقدار معین شد.

**فوری** - بنده عرض میکنم که غالب آقایان هم مسبوق هستند الا این که بجهت ضرورت نمیتوانیم از يك ماده قانون اساسی صرف نظر کنیم که میگوید ضرب نقره باید موافق قانون باشد پس در اینصورت خوب است مجلس هم این را تصویب کند و همین جا ختم شود.

**رئیس** - مقصود این است که اگر این را مجلس اساساً قبول میکند باید اساساً رای بدهد باینکه ضرب نقره را مجلس قبول میکند آنوقت مقدار کم و کیف این مطلب را وزارت مالیه بر عرض مجلس میرساند.

(مؤمن الملك نطقی فرمودند چون آهسته بود مسوع تند نویسان نشد)

**وکیل الرعایا** - نظامنامه که امروز بدست ما رسیده یعنی برای خودمان يك نظامنامه میدانیم و نظامنامه همان چیزی است که بوده بنابر همان نظامنامه این کاری است که وزیر با مسئولیت خودش میتواند این کار را بکند و بر حسب اطلاعات تجارتهی امروز بازار ما محتاج بمسکوک است و عقیده ما این است که مجلس رای بدهد که این چهار کرور سکه شود.

**تقی زاده** - بموجب نظامنامه داخلی ملاحظاتی لازم است و چون که میگویند ملا - ظاتی ندارد این است که از بعضی مطالب صرف نظر میکنم گمان میکنم که آقایان قبول کنند آن چیزی را که آقای مؤتمن الملك فرمودند اگر نظامنامه داخلی مجلس شده ولی مکرر گفته شده است باز هم مکرر میشود که بموجب همان نظامنامه ناقص باید لوائح قانونی بپایند و قرائت ثلاثه شود و وزیر توضیحات خودش را در آن لایحه داده باشد حالا اگر يك مطلب فوری هم دارد که تصویب میکنند البته باید بعد از يك قرائت یا دو قرائت قرار بگذارند و باز هم عرض میکنم که تصویب کمیسیون برای مجلس هیچ اهمیتی را دارا نیست زیرا که وزیر خودش اگر حاضر نباشد آن طوریکه کمیسیون صلاح دانسته و تصویب کرده است کافی نیست.

**معین الرعایا** - چنانچه نوشته شده بود در آنجا مفصلاً صحبت کردیم و حالا هم تصدیق میکنم و انصاف میدهم (بقیه مسوع نشد)

**کاشف** - ورود نقره چیزی است که بجهت مملکت مضرت است لیکن ما امروز مجبوریم باینکه مجلس تصویب کند ورود نقره را و این دلیل کافی

نمی‌شود که امروز قیمت نقره ارزان است یا قیمت نقره چقدر خواهد شد بنده عقیده بودم نقره ندارم که چقدر وارد شود بر فرض بگویند مبلغی معتد به بهیشتی رفته یا نرفته بکوقت نقره ترقی داشت و قران با اندازه صرف میکرد که آب می‌کردند و نقره اش را میبردند ولی این دائمی نیست که ما فرض کنیم که نقره وارد صرف میکرد که میبردند و آب می‌کردند و اگر چنانچه بعضی اشخاص نمی دانستند امروز بموجب راپورت گمرک فهمیدند که واردات ما زیادتر از صادرات است و در هر صورت کسر دارد چون هر قدر بتوانیم نقره کمتر وارد کنیم بهتر است و بقدر امکان باید جلوگیری بشود که زیاد نقره وارد نشود امروز بر فرض تصویب کردند که نقره وارد شود در ضمن سه سال ملاحظه میکنیم ده کرور وارد شده آنرا یکقدری باید از حالا ملاحظه کرد.

**وکیل التجار** - بلی این نکته راجع بود نقره یا خروج آن راجع با اساس صادرات و واردات ما نیست چنانچه در سابق گفته شد و صورت (استاتستیک) گمرک و سند رسمی دولت خوانده شده بملاوه يك مقداری که بتوسط مسافرین زوار و تجار بخارج میرود آن مطلب هیچ داخل استاتستیک گمرک نمی‌آید می‌خواهم عرض کنم از کسانی که در بهیشتی مختصر تجارتهی دارند و آن کسانی که طرف بغداد و ترکستان که خود بنده سالهاست در آنجا بوده ام یعنی (۲۳) سال است که رشته تجارت آنطرف را مسبوق بوده ام اطلاع دارند هیچوقت نیست که در ماه يك مقداری کزاف از طرف بندر ایران یعنی بحر خزر و از طرف خراسان به ترکستان نرود از این طرف میرود بیاد کوبه و از آنجا عبور میکنند و مستقیماً میرود این دائمی است و این تفاوت فقط در بکوقت ارزانتر است بالنسبه زیادتر میرود و اگر بکوقت گران شد بالنسبه کمتر میرود والا هیچوقت قطع نمی‌شود و حتی دولت روس چند دفعه قذفن کرد که قران را بظاک روسیه وارد نکنند و رشته تجارت ترکستان و آنجاها گسیخته شد یعنی بافغانستان تجارتشان خیلی سخته وارد آورد و نتوانستند داد و ستد بکنند باین جهت نتوانستند قذفن بکنند و مجبور شدند که ثانیاً قران وارد کنند و این راجع با صادرات و واردات نیست برای اینکه آن مبلغ که وارد میشود همان مقدار خارج میشود و این میتواند يك اثری در اضافه واردات ما بکند چون آن چیزی که عیناً وارد میشود نمیتواند اثری در منافع بکند بجهت اینکه آن چیزی که عیناً وارد شده و عیناً خارج شده است از صادرات ما کسر میشد و از واردات هم کسر میشد.

**کاشف** - اینکه بعضی از مذاکرات شد که امروز قیمت نقره از سایر اوقات زیادتر تنزل دارد این را بنده قبول ندارم چونکه قیمت نقره را صاحبان معادن بواسطه حسابی که کرده‌اند که نقره بیرون می‌آید آنها جلوگیری کردند و خودشان جلو را در فرنگستان نگاه داشته و اگر بکوقت جلو را کول کنند تمام آن شروطی که در مملکت داریم نصفه خواهد شد و وقتیکه نقره تنزل کرد دیگر صادر نمیشود این را باید منظور کرد که بقدر امکان کم آورد یعنی بقدر رفع احتیاج چرا که این پول نیست جنس است.

**وکیل الرعایا** - مذاکرات مغالطه بیکدیگر شده بنده هم لازم دانستم که یکقدری از جوابها داخل

کنم آنچه راجع با صادرات ما است خیلی باید سعی کنند ایران بواسطه امر فلاحی بر صادرات خود بیفزایند و این چیز است که باید بمجلس بخواهد آنچه راجع بنقره است بموجب اطلاعات بنده قسمت شده فقط یکمقداری از خاک ایران میکنند آنها هم محتاج بتوضیحاتی است که در خارج از مجلس باید داد ما نمیتوانیم بگوئیم که این مقدار نقره که در ضرابخانه سکه شده از خاک ایران خارج نشود است اگر هم چه چیزی را بگوئیم باید بگوئیم که صد کرور پول موجود در ایران هست چون می‌بینیم که نیست میگوئیم خارج شده اما آنچه که راجع است باینکه ما پول خودمان را طلا بکنیم آرزو مندیم این یکی از آن اول اوازمی است که ما باید در صورت توانستن بکنیم و آن موقع توانستن را آرزو مندیم که به بینیم و آن چیزیکه ما محتاج ما است فقط راجع باینست که این چهار کرور نقره در ظرف چهار ماه در ضرابخانه سکه شود یا نشود در این خصوص مجلس باید جواب خود را بدهد که چهار کرور نقره در ظرف چهار ماه در ضرابخانه سکه بشود یا نشود و البته جمیع مواد قانونیش را وزیر مسئول شما مجبور است که از مجلس بگذراند وزیر خودش بمسئولیت خودش در مقابل ایرادات مجلس جواب میدهد

**آقا شیخ محمد** - بنده اعتقاد این است که باقتضای حالیه مملکت دولت مجبور است اجازه بدهد خوب است از این بگذریم و در مقدارش که چهار کرور باشد یا کمتر یا زیاد تر مذاکره کنیم.

**هشترودی** - وقتی ضرورت کشید ما را بجائی که مضطر شدیم اضطرار قانون بردار نیست چون برای ما نقره ضرور است ولی ضرور تر قانون است آن خیلی ضرورتش مهمتر از یاره چیزهاست باید همانطور وزیر مسئول ما لایحه قانونی در این باب بدهد تا مطرح مذاکره شود.

**میرزا مرتضی قلیخان** - مطلب اول که مذاکره شد گویا اتفاق آراء شد اینک این مقدار نقره باید وارد شود نظر با اضطرار مملکت و اقتضای حالیه خوب است نقره بیاید و بنده هم عرض میکنم که این مطلب باید قانوناً مرتب شود ولی ترتیب قانونیش عقیده بنده این است که خیلی مطلب سهلی است بجهت اینکه لایحه که از وزارت مالیه باید داده شود داده شده و با اندازه که باید مذاکره شود در روز چهارشنبه بمعمل آمد قرار شد در کمیسیون پنجشنبه با تجدید مذاکره شود و امروز روز سیم است پس اگر مجلس در این باب رای بدهد و با مضای نایب السلطنه برسد عقیده بنده این است که ترتیب قانونیش هم تمام شود.

**ابوالقاسم میرزا** - بجهت بعضی ملاحظات مجبور شدم اطلاعات خودم را عرض کنم اینک فرمودند سالی مبلغی از ایران خارج می‌شود قبول دارم ولی باید در ضمن تصور کرد که این ۱۶ کرور بی ضرر هم از مملکت ما نمیرود چنانچه در يك سرحد ایران که بنده خودم مستخدم بودم و سالها آنجا خدمت کردم بخوبی میدانم آنچه پولی که از خاک کرمانشاهان بیفداد میرود یعنی نقره یعنی دو هزار می برند زوار ششصد دینار ضرر میکنند و یقین دارم از این ۱۶ کروری که میرود در نقاط دیگر آن بهمین طور ضرر دارد کسانیکه با بصیرت باشند خواهند گفت اشخاصی که از این راه سفر میکنند ضرر میکنند پس ما باید این ضرر را هم برای افراد نوع خودمان تصور بکنیم.

**فهییم الملك** - بنده می‌توانم عرض کنم در این باب که يك ترتیب صحیحی لازم است و ورود نقره

آقایان اظهار داشتند از کمیسیون اظهار شده که بروند آنجا اظهارات خودشان را بگویند و اعتراضات خودشان را بکنند خوب است بیشتر وقت خودمان را ضایع نکنیم و در این مسئله که گفتند قانونی باشد تصدیق میکنم رای آقای میرزا مرتضی قلیخان را.

**غفاری** - بنده عرض میکنم اینجا یک اشتباهی شده است اینکه در قانون اساسی است که ضرب سکه باید تصویب مجلس باشد این در کم و کیفش است که اگر دولت بخواهد اساس سکه را بر طلا بگذارد یا فلزی بهمان ترتیب که آقایان فرمودند لازم است یک لایحه به مجلس بدهند و همان ترتیب از مجلس بگذرد و دستور قانونی پیدا کند و اینجا آن مسئله نیست فقط پول ما امروزه نقره است و چون نقره است باید آزاد باشد و اینطور که گفته شد یعنی پس از آنکه تجار صلاح دانستند یک مقدار فلزی را بضرایخانه بدهند یعنی نقره را سکه کند و بباها رد کند اشخاصی که لازم میدانستند ورود نقره را بوزیر مالیه اظهار کردند وزیر مالیه هم محض خارج از اطلاع مجلس نباشد به مجلس اظهار کرده و مجلس رجوع بکمیسیون نموده و کمیسیون هم تصویب کرده که امروز این مقدار نقره برای ما لازم است که سکه بشود دیگر بنده عقیده ندارم که این مسئله مسئله قانونی باشد و باید بطور قانونی از مجلس بگذرد اما آنچه در باب ضرر اینکار گفته شد چون پول ما نقره است و ما مجبوریم که در مقابل امتنه خارجه بدهیم از این بابت بما ضرر میخورد و ضررش هم راجع است باینکه پول ما نقره است و پول همسایه های ما طلا است و ما باید در عوض جنس آنها طلا بدهیم

**معاذ الملک** - بنده گمان میکنم در خصوص فوائد ضرب نقره باندازه که کافی باشد مذاکره شد و همین تحقیقاتی که کمیسیون ضرب نقره در این چند روزه بعمل آورده کافی است و سایرین اگر بر خلاف صحبت میکنند و دلایشان بطوریکه آقای صدیق حضرت دلیل واضحی بیان فرمودند روشن نبود و اما این که گفته شد که بهتر این است وزیر مالیه لایحه قانونی بمجلس پیشنهاد کند پیشنهاد کردن بمجلس دو قسم است یکی تشکیل لایحه است که ( پروکر ) باشد دومی تشکیل ( پرویزیسیون ) که اظهار باشد ممکن است یک وزیر یک مطلبی را اظهار بکند و فوریت آن را لازم بماند و مجلس بر حسب تقاضای وزیر یا رد کند یا قبول کند بهمین اندازه هم وزارت مالیه در خصوص ضرب نقره چیزی نوشته اند و بمجلس فرستاده اند و گمان میکنم در همان نوشته خودشان هم قید کرده باشند که مبلغ چهار کرور کافی باشد بملاوه کمیسیون ضرب نقره هم چهار کرور معین کرده بهتر این است که مجلس رای بدهد در خصوص همین چهار کرور که بوزارت مالیه اجازه داده شود یا خیر ( گفتند صحیح است )

**نوبوری** - در قانون ضرب نقره بیادشاه است و با آوردن نقره واحد مقدار آن آنروز اینجافرمودند و جوابی گفته شد که چنین نیست این تجارتی است مطلق و احتمال دارد که بکم و کیف راجع باشند این یک عبارتی است مجمل مجلس باید تفسیر کند حالا هر گاه اینطور تفسیر میکنند بکنند که این عمل ختم شود یا هر طور که تصویب میکنند ختم شود

که پیش از این مذاکره در این باب تصبیح وقت است.

**تقی زاده** - معطلت دو سه شق پیدا میکند یکی در شق اول بحث میکند دومی در دوم سومی در سوم این است که این عمل ختم نمیشود اولش این است که راجع بمجلس است یانه الان بعد از آنی که امروز این مطلب در این مجلس تمام شده است باز امروز شق دیگر پیدا میکند جناب غفاری که دوباره بنده را متنازل میکند ممکن نیست در اینجا دورای باشد یکی اینکه نقره برای اینکه نقره است و در جمیع ممالک محدود است از روی قانون و اگر محدود نباشد و مجلس بخواهد اختیار تام را بوزراء واگذار کند و تصد و وزراء را الی ماشاءالله بگذارد که اگر بخواهند سالی صد کرور هم سکه کنند این مضر خواهد شد چنانکه دلیل بعدم ضرر نقره اقامه کرد مشروط بشرایطی میکند که مدامی که خارج میشود یا مدامی که محدود است ممکن نیست که یک جنسی در عالم ترقی فوق العاده یا تنزل فوق العاده می کند این جور جنس را ماخذ پول قرار داد و وزراء را هم بدون حد و حصر در مملکت آزاد کرد دلیل دیگر این است هر مملکتی سکه رایجش آزاد است این جا هم چون نقره سکه رایج است باید آزاد باشد ولی بنده گمان میکنم چون نقره خواه رایج باشد خواه نباشد نمیتوان آن را ماخذ پول قرار داد چون نقره در همه جا محدود است و آزاد نیست و آنچه بموافقت قانون گفته شد حد نقره که بمجلس رای بدهد و سر جای خود نمی نشینیم تا یک رای گرفته شود که این باید محدود باشد یانه باید مطابق قانون سکه بشود یا خیر از این باب خلاص میشویم و اگر کسی خواست دوباره در این باب صحبت کند او را میگویند این مطلب گذشته است ولی مادامی که نگذشته است پس فردا باز یک نطقی در مجلس میشود در آخر نطق یک مطلبی راجع باصل مذاکرات میشود دوم این است که بهترین راه همان است که آقای معاضد الملک فرمودند چون در اساس ما متفقیم این رای بگیریم چنانچه رای بنده هم از اول همین بود و تمامش در این بحث کردم که باید راجع بمجلس باشد و موافق قانون باشد آنوقت کم و کیفش را باید لایحه قانونی بدهند اگر بخواهیم این را لایحه چاپ کنم این لایحه نیست هیچ لایحه داده نشده یک مقاله یک روزنامه اینجا فرستاده اند و دلایلی اقامه کرده اند که هیچ ربطی ندارند اظهار اگر از طرف دولت باشد و غیر لایحه قانونی باشد آن مطلب غیر قانونی است و قانون باید همیشه بشکل لایحه بمجلس بیاید که در مجلس مطرح مذاکره شده تصویب شود و با امضای شاه برسد شکل لایحه قانونی این نیست که فرستاده شده باید لایحه بمجلس بیاید با کم و کیف او اینکه بعضی از آقایان میگویند قرار شده است یعنی اجازه مطلق داده ایم بدولت این هیچ نه لایحه است نه قانونی است این همان است که ضرابخانه چهار کرور در چهار ماه ضرب بکند و از چهار ماه دیگر هم چهار کرور پس در سال ۱۲ کرور لازم است این ترتیب کار نیست باید معلوم باشد که در چه مدت چهار کرور ضرب خواهد کرد این است که بنده خیال میکنم اولاً باید رای گرفته شود که اولاً باید مطابق قانون باشد و بصحه نایب السلطنه برسد اینکه کمیسیون از ده کرور به چهار کرور آورده بنده نفهمیده ام وقتی

که مدت را کم کنید چهار کرور زیاد میکنید ده کرور میشود ثانیاً این است که در اساس رای بگیریم که نقره آوردن عیب ندارد ثالثاً اینکه مینویسد که تجار و عده دادند نقره وارد کنند باین قائل نیستیم و مخالفت این عقیده هستم که اگر وزیر مالیه چنین کاری بکند چون پیش از وقت است نمیتوانیم باو بنویسیم که هم چه کاری بکند.

**صدیق حضرت** - آقای تقی زاده فرمودند که همانطوری که آقای رئیس پیشنهاد کردند وزیر مالیه را دعوت کنیم که یک لایحه قانونی پیشنهاد کند بخواهیم عرض کنم که همین جا مذاکره ختم شود و زیاد از این وقت ضایع نشود.

**غفاری** - بنده عرض نکردم که حق مجلس نیست بلکه عرض کردم آنچه راجع بمجلس است اساس کار است بازم حالا عرض میکنم که مثلاً اگر امروز بخواهند سکه ایران را روی طلا بگذارند و سکه را تغییر بدهند آنوقت محتاج باین است که یک لایحه قانونی بمجلس بیاید از آنطرف هم عرض نکردم که ضرب سکه بر روی نقره مضر نیست عرض کردم چون امروز پول رایج مملکت ما نقره است و در تمام دنیا پول رایجشان غیر محدود است باید اینجا بواسطه اینکه این پول رایج این مملکت است آزاد باشد.

**شهبانی** - این که محدود باشد یا غیر محدود بنده عرض میکنم البته باید محدود بجهت اینکه اگر ضررش ثابت شود سالی (۲۰) کرور سکه میگردند و نقش را میبرند در صورتیکه ضرر دارد البته باید محدود باشد لکن نمیدانم امروز مجلس میتواند محدود بکند یا نمیتواند باین آسانی ها ممکن است محدود گردنش الا اینکه اگر مسئولیت این را بگردن وزیر مسئول بگذاریم زودتر اینکار تصفیه میشود تا اینکه خودمان مذاکره کنیم.

**رئیس** - این مذاکرات تمام شد تقریباً در این که نقره باید محدود باشد در این هیچ حرفی نیست باید رای بگیریم برای اینکه اساساً بیکمقداری نقره آوردن و در اینجا سکه کردن را در چه مدت صلاح می دانند این را رای بدهند بر اینکه بوزارت مالیه نوشته شود آنوقت بشکل لایحه مقدار آنرا و مبلغ آنرا معین بکنند که اساساً معلوم باشد که وزارت مالیه اجازه آوردن نقره را داده است و اگر مخالفتی برای کمیسیون یافت شد مذاکراتی خواهیم کرد.

**تقی زاده** - پیش از لایحه عرض کردم باید رای گرفته شود.

**رئیس** - پس حالا رای در اساس مطلب میگیریم هر کس رای دارد بر اینکه امروز آوردن نقره و سکه کردن آن صلاح است قیام نمایند ( غالباً گفتند ورقه باید داد )

**رئیس** - حالا باز بیک چیزی هم هست اینجا که دور نباید انداخت یاره از آقایان که در آن کمیسیون مطالعاتی کرده اند بملاحظه ارزانی نقره چهار کرور تصویب کرده اند اگر صلاح میدانید این چهار کرور را رای بدهیم تنها این است که وزارت مالیه در سایر چیزهای آن بما لایحه میدهد و همان چهار کرور را ماخذ قرار میدهد و مدت هم در اینجا معین می شود میگویند وزارت مالیه در فلان مدت این مقدار را کافی میداند یکسال دو سال هر چه هست تصویب خواهد کرد و اگر هم صلاح نمیدانید رجوع بکمیسیون شود ثانیاً

(رای دادن را صلاح ندانستند.)

**رئیس** - پس رأی نمیگیریم - سه فقره لایحه است که وزارت مالیه فرستاده است در باب حقوق متوفیات فقط خوانده میشود و بعد اگر رأی می دهید بکمیسیون رجوع شود والا در همین جا رأی گرفته شود (ذکاء الملك لوايح را قرائت کرد.)

**رئیس** - چون میدانید کسی که مرحوم شدو حقوق او از پانصد تومان نقد و ده خروار جنس علاوه باشد بموجب قانون باید مجلس شورای ملی رأی بدهد این است که وزیر مالیه اینها را پیشنهاد کرده است (در این سه خصوص اینجا رأی میگیریم یا بکمیسیون رجوع شود.)

**وکيل التجار** - يك توضیحی می خواهم بدهم اگر بکمیسیون رجوع می شود محتاج نیست همانجا توضیح میکنیم و عرض خودم را خواهم کرد .

**افتخار الی اعظمین** - چون اذهان ما مسبوق نیست لذا منی توانم رأی بدهیم خوب است بکمیسیون رجوع شود و در آنجا تنقیح شود.

**وزیر زاده** - بنده گمان میکنم که اگر بکمیسیون رجوع شود و در آنجا مذاکره و تصویب شود کافی است .

**رئیس** - آن کمیسیون سابق که نمی تواند در این باب رسیدگی کند مگر اینکه از طرف مجلس رجوع شود بآن کمیسیون که تکلیف خود را بداند.

**نواب** - سابقاً قرار شد که اینها را سالی یکمرتبه یاد مرتبه بمجلس فرستند بعد از آنکه جمع شد آنوقت خودشان تقاضای خودشان را یعنی وزارت مالیه خواهند کرد این جا مخالف قانون متوفیات می نویسند ولی جهتش را هم می نویسند که بعد از تحقیقات معلوم میشود که اینها فقیر هستند .

**رئیس** - اما التفات فرمائید که اینها از پارسال و پیرارسال مانده است اگر جواب بآنها داده نشود اسباب یأس آنها میشود والا متوفی راهمانطور که فرمودند بر ما کز لازمه تلگرافاً یا کتباً اظهار میکنند و جواب می خواهند اگر آنها را یکسال یا شش ماه بی جواب بگذارند اسباب پریشانی و یأس آنها میشود اما اینها از پارسال و پیرارسال است قانون متوفیات هم تصویب کرد وزیر مالیه نیز تحقیقات خودش را کرده جز در يك فقره که گویا نتوانسته است تحقیق بکند و در دو مطلب دیگر رأی خودش را اظهار داشته و این رأی که میدهد موافق قانون است مثلاً کسی که حقوقش دوست تومان بوده است برای عیال او صد تومان تصویب میکنند چرا برای اینکه نصفش را میبندازند و منوط میماند برای مجلس و تصویب وزارت مالیه و برای عیال او سهم دختری میدهد که می شود صد تومان و آنکهی وقتیکه از پانصد تومان متجاوز شد منوط میماند برای مجلس و تصویب وزیر مالیه در این دو باب داده است حالا در این باب بهمان کمیسیون مجلس رجوع میشود که ملاحظاتی خود را بنمایند .

**تقی زاده** - آن کمیسیون وقتی که اجتماع کردند ملاحظه کردند که این جور ملاحظاتی را نمی توانند قبول کنند برای اینکه آن کمیسیون برای بودجه موقتی ادارات معین شده است و فوری است با آخر سال چیزی باقی نمانده با وجود این بعضی از اعضاء نتوانستند در سر کار خودشان حاضر شوند با این کوتاهی روزها مثلاً قرار گذاشته اند یکساعت بعد از ظهر تشکیل شده تا اول مذاکرات

مجلس مشغول باشند با وجود این بنده نمی توانم حاضر بشوم روزی سه چهار کاغذ از این قبیل میرسد و این بودجهها همین طور مینمانند ( آقای مؤتمن الملك نطقی کردند چون آهسته بود مسموع نشده )

**رئیس** - سابقاً ارباب جراند تظلمی کردند بکمیسیون عالی در باب زیادی اجرت تلگراف و پست که زیاد است و در آنجا موقتاً فرار شد که يك تخفیفی داده شود تا زمانی که مجلس شورای ملی منقذ شود و آنوقت مجلس هر طور که صلاح داند تصویب کند این است که وزارت پست در این خصوص امروز بمجلس اظهار کرده و رأی خواسته است .

( در این موقع ذکاء الملك لایحه وزارت پست را قرائت کردند )

**وزیر زاده** - چون در ایران هر کسی میخواهد ترویج معارف بکند فوراً دچار یک خسارتی میشود بنده عرض میکنم در اینجا بارابا جراند يك تخفیفی داده شود بهتر است .

**منتصر السلطان** - بنده در این خصوص نخواستم عرض کنم که این بکمیسیون رجوع شود البته هر طور صلاح است مجلس تصویب خواهد کرد .

**وکيل التجار** - بنده عقیده ام این است که رجوع بوزارت معارف شود که هر قدر خود او ملاحظه کند یا کمتر یا بیشتر تخفیف بدهد یا نه.

**فاتح الملك** - بنده عرض میکنم برای ترویج معارف خوب است همانطور که گفته شد بارابا جراند تخفیفی داده شود .

**تقی زاده** - در اینطور چیزها که بمجلس پیشنهاد میشود عرض کردم که بنده خیلی ملاحظاتی دارم این کاغذ يك اعلانی است که با ادارات جراند داده میشود بنده عرض میکنم که باید همین مطلب بطور قانونی چاپ شده ۲۴ ساعت قبل از وقت داده شود قرائت تلاه شود بعد رأی گرفته شود .

**رئیس** - بلی همینطور است ما هم داخل مذاکرات نمی شویم خواستم معلوم بکنم که باید بکمیسیون رجوع شود یا خیر حالا بکمیسیون رجوع خواهد شد چون دیروز جمعه بود و عطسه بسته بود تمام نظامنامه را چاپ نکرده اند ولی این قدری که رسیده است امروز قرائت میشود هیچ فرقی نمی کند برای اینکه زودتر انجام شود شروع بقرائت این مقدار که حاضر است میشود (در این موقع) شروع بقرائت نظامنامه داخلی شده ۸۱ ماده قرائت شد

**رئیس** - بقیه قرائت اول در جلسه آتی خوانده میشود (مجلس سه ربع از شب ختم شد)

**جلسه ۱۶**

**مذاکرات روز یکشنبه ۲۸ ذی قعدة الحرام ۱۳۲۷**

مجلس دو ساعت ربع کم قبل از غروب منقذ معاضد الملك خلاصه مذاکرات جلسه قبل را قرائت کردند .

**رئیس** - در این خلاصه ملاحظاتی هست .  
**شیخ محمد** - اینجا نوشته شده چهار کرور تصویب شده و حال اینکه هنوز تصویب نشده .  
**رئیس** - نوشته شده اغلب تصویب کردند (بعد بنا شد از وزارت مالیه لایحه پیشنهاد شود که چه مقدار نقره باید وارد شود )

( در این موقع از طرف رئیس اجازه شروع بقرائت نظامنامه داخلی داده شد ) ( بعضی اظهار داشتند که هنوز بقیه را نیاوردند و ما نداریم که مطالعه کنیم ) .

**رئیس** - چون دفعه اول است خوانده میشود و برای دفعه ثانی آورده میشود آنوقت مذاکره خواهد شد ( در این موقع آقای ذکاء الملك بقیه نظامنامه داخلی را از ماده ۶۶ تا ماده ۱۰۲ که آخر نظامنامه است قرائت نمودند )

**رئیس** - چنانکه گفته شد متمم نظامنامه توزیع خواهد شد و اقلاً ۲۴ ساعت بلکه بیشتر برای مطالعه آقایان فاصله خواهد شد که همگی مطالعه بکنند روز سه شنبه انشاء الله تعالی شروع بقرائت ثانی و مباحثه خواهد شد (مجلس یکساعت قبل از غروب ختم شد)

**جلسه ۱۷**

**مذاکرات یوم سه شنبه سلخ شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۷**

مجلس سه ربع قبل از غروب بعد از آن که مدتی خصوصی بود علناً منقذ شد معاضد الملك خلاصه مذاکرات یوم یکشنبه ۲۸ را قرائت کردند .

**ذکاء الملك** - چند فقره تلگراف تبریک است که چون سیم خراب بوده دیر رسیده است (از قصر - از هیئت علمیه نجف اشرف) (از کرمانشاهان از انجمن مساوات کربلا) (از قصر - ایضاً از اتحاد علمیه کربلا) (از رشت - از حاج محمد رضای رئیس انجمن اباتلی) و اعتذار جسته از اینکه چون زمان انعقاد مجلس بواسطه کسالت بویته رفته بودم باین جهت در عرض تبریک تاخیر شده است (در این موقع شروع بقرائت نظامنامه داخلی شده و تا ماده ششم قرائت و مباحثات لازم بعمل آمده و غیر از ماده دوم که قرار شد مجدداً بکمیسیون برود در سایر مواد رأی گرفته و با کثرت تصویب شد)

**رئیس** - بقیه مذاکرات میماند برای فردا عصر چون خیلی عقب افتاده است قدری زودتر شروع میشود فردا از سه ساعت بغروب مانده بمجلس منقذ خواهد شد و ماده دوم هم که قرار شد بکمیسیون رجوع شود در کمیسیون مذاکره خواهد شد و هر کس مایل است در باب ماده دوم مذاکره نماید در آنجا حاضر شود ( مجلس یکساعت از شب گذشته ختم شد ) .

**جلسه ۱۸**

**مذاکرات چهارشنبه غره ذی حجة الحرام ۱۳۲۷**

مجلس دو ساعت قبل از غروب منقذ شد معاضد الملك خلاصه مذاکرات جلسه قبل را قرائت کرد .  
**رئیس** - موضوع مذاکرات امروز نوشته وزارت مالیه در باب ضرب چهار کرور نقره و در خصوص پنجنفر نماینده که بموجب نظامنامه انتخابات هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفاء یا فوت نماید بیش از سه ماه بانقضای دوره باقی باشد مجلس شورای ملی یک نفر بجای او با کثرت تمام انتخاب می نماید در این باب لازم است آقایان در خصوص اشخاصی که انتخاب خواهند شد تا ملات خود را نموده که روز سه شنبه آتی انتخاب خواهند شد و آن پنج

نفر و کیل است (ذکاء الملك رقمه وزارت مسالیه را در خصوص ضرب چهار کرور تومان نقره را قرائت کرد).

**رئیس** - آنچه از وزارت مالیه رسیده است معلوم میشود در اینباب يك اعتقادی دارد که باید این مسئله همینطور ما تصویب کرده است بگذرد یعنی مجلس تصویب کند چهار کرور را یارد کند یکی از این دو شق باید معلوم شود و تأخیر را بهیچ وجه جایز نمیداند بپاره ملاحظاتی که همه آقایان میدانند و چون این مطلب سه مرتبه در اینجا مذاکره شده است و در آن مذاکره اخیر قرار شد اساساً در حقیقت آوردن نقره و ضرب آن قبول شود الا آنکه مقدار زمدت را وزارت مالیه قرار بود پیشنهاد کند مقدار را بطوری که کمیسیون تصویب کرده بود در همان چهار کرور ولیکن مدت را بطوریکه ملاحظه فرمودید نمیتوان معین بکنند حالا در این باب فرمایشات خودتان را بفرمائید.

**وکیلالتجار** - بنده در مسئله تصویب مقدار لازم نمیدانم دقت بکنند بجهت اینکه آنچه لازم است بوده توضیحات داده شده است ولی در مسئله مدت لازم میدانم حالا که وزیر مالیه نتوانستند معین کنند مجلس مجبور است که اقلاً اکثر مدت را معین کند که تا کی خواهد بود یکی بلامدت بودن صحیح نیست و آن کسانی که میخواهند این مقدار را ضرب نمایند باید وزارت مالیه مدت را معین که طولانی نشود شاید بکوقت طول کشید و ضربخانه بیکار و معطل بماند و نتواند خودش اقدام دیگری بکند یا نقره دیگری را تحویل بگیرد برای اینکه وقتی بیکار ماند لابد میشود باید بقرار خودش رفتار نماید آنوقت اگر یک مدت معین نباشد و طرف مقابل هم مجبور نباشد که در مدت معین تحویل بدهد نمیتواند که ضربخانه بیکار بماند و آن آدم هم بخواهد بعد از هشت ماه بیاورد پس یک اکثر مدتی لازم میدانم که مجلس معین بکند که هر کس میخواهد قرار بدهد از هر کس میخواهند نقره بخرند یا تحویل بگیرند قرار بدهند تا آنوقت تحویل بدهد و اگر ندارد آن قرارداد از درجه اعتبار ساقط است.

**رئیس** - این را اثبات بفرمائید آن روز در خصوص مدت چیزی که مجلس اظهار کرد بود وزارت مالیه این است که سابق بر این مثلا گفته میشد که در یکسال دو کرور بیکه اجازه داده میشود کافی است مثلا برای یکسال یا بیست ماه یا ده ماه یک هم چه مدتی معین شود والا معلوم است در چه پنجماه روز تقریباً این نقره وارد ایران شود و چهار کرور در چهار ماه یا پنج ماه طول دارد سکه شود این مدت اینجا بالطبع معین است و وزارت مالیه هم حالا بهر طریقیکه صلاح میدانند یا بموجب کترات یا خود دولت بخواهد بیاورد البته از ارزانی نقره استفاده خواهد کرد و هر چه زودتر ضربخانه آنها را زودتر خواهد داد اینکه اینجا گفته شده است مدت نمیتواند معین کند معنی این است که نمیتواند بگوید که این چهار کرور برای یکسال یا دو سال دیگر است زیرا میگوید این مدت را بالطبع لازم خواهد داشت و وزارت مالیه تمام ملاحظات خودش را در عمل مسکوکات خواهد کرد شاید یکی از ملاحظاتی این باشد که میزان ماخذ مسکوکات را در ایران بخواهد بر روی طلا بگذارد یا اینکه همین وضع یک مقدار نقره میآورند

یادربضربخانه رایبندند حالا مادر آن خصوص هر چه مطالعه و ملاحظه داریم میتوانیم بیان کنیم.

**آقای شیخ محمد** - این مسئله چند ملاحظه داشت یکی مقدار و یکی که اهمیت داشت همان مسئله کترات و آوردن خود دولت مسئله کترات که در این ورقه نبوده است اگر اینرا هم لایحه خواهد داد مجلس در اینهم رأی خواهد داد میشود کترات داد اما گمان من این است که باین نوشته میخواهند عمل را ختم و کترات دادن خیلی اشکالات دارد.

**رئیس** - امروز مجلس شورای ملی میخواهد در باب آوردن نقره رأی بدهد معلوم است که وزارت مالیه بتصویب مجلس عمل میکنند اما مجلس میخواهد که این قبیل چیزها چنانچه در اصل (۵۰) ذکر شده است یا در اصل دیگر ذکر شده است داخل کترات یا چیز دیگری است و وزارت مالیه میگوید در این خصوص خواهم بمجلس آمد و ماهم نمیتوانیم او را مجبور کنیم که امروز بمجلس بیاید اما داخل مباحثه بشود وزارت مالیه ملاحظاتی دارد در این باب ما هم يك ملاحظاتی داریم در این باب وقتی مذاکره بمیان آمد آن ملاحظاتی بمجلس شورای ملی است که حقیقت آن یکماده یا دو ماده تفسیر خواهد شد و آن مقدار هم اختیاری بمجلس شورای ملی است که دقت بکنند جداً تکلیف هر دو طرف معلوم خواهد شد.

**آقای شیخ محمد** - مقصود من این است بآن جمله که اصرار دارد زود رأی داده شود از حیث قیمت و فلان لابد در مسئله کترات هم همان روز در مجلس رأی بخواهد که عیب ندارد بعد فردا چه کنیم مثلا امروز رأی داد فردا هم رأی باید در مسئله کترات بدهد بهتر اینکه یکدفعه در مجلس رأی بخواهند.

**رئیس** - اگر آوردن نقره را وزارت مالیه داخل آن مباحثه میکرد و میگفت من هیچ لازم نمیدانم که بمجلس بیاید بایستی در آن اساس رأی بدهیم ولی همین قدر که ما برای خودمان معین میکنیم آنقدر محفوظ بماند الا اینکه يك وزارتخانه است که یکمناقشه قانونی بمجلس پیدا کرده عجالاً با سانی صرف نظر نمیکنند ما هم صرف نظر نمیکنیم و میگنارد بیکوقت در حقیقت يك وزارت میخواستند در يك مباحثه با ما داخل شود و يك مباحثه قانونی نباید حالا او را ما نمیتوانیم داخل در يك مبحث دیگر نماییم اگر در این مبحث صرف نظر میکرد از تصویب مجلس همین است که میفرمائید ولی صرف نظر نکرده است يك روز دیگر صحبت میکنیم.

**آقای شیخ محمد** - کترات را هم مجلس باید تعیین کند و او داخل مذاکره نمیتواند بشود.

**اسدالله خان** - اگر خواهر آقایان و کلا مسجون باشد در این راه پودنی که کمیسیون ضرب نقره میدهد میفوسد که نظر با احتیاج امروزه مملکت از برای گردش پول مجلس لازم میدانند که چهار کرور اجازه بدهد ضربخانه سکه بزند ولی این را اجازه نمیدهند که دیگری این منفعت را ببرد یا دولت این کار را بکند در این موضوع گمان میکنم آقایان و کلا میتوانند گفتگو کنند و حق دارند برای بدهند و گمان میکنم خیلی اهمیت داشته باشد اگر بتواند همانطور که گفته شد میبود دولت بپرد و باره صحبتها که در خارج نسبت به بعضی کمیسیونها

میدهند مرتفع میشود و آن منفعت را دولت میبرد  
**آقای شیخ اسماعیل نویری** - بنده تقریباً میخواهم عرض کنم که مجلس میخواهد چنین اجازه بدهد باید او را به بیند وزارت مالیه که میخواهد اجازه ورود نقره را از مجلس بگیرد و مجلس این را بداند که بطور اجازه میدهد کترات داده میشود یا اینکه همانطور که بعضی از آقایان گفتند خود دولت وارد میکند باید اینرا مجلس بداند شاید بشود که آن منفعتی که عاید تجار میشود عاید خود دولت بشود بنده که یکی از نمایندگان هستم همه میدانند ارزانی نقره را می دانم و همه میدانند که امروز مملکت مایول لازم دارد و آوردن نقره را لازم دارد که بیاورد لکن بچه شکل بیاورد مادامی که کیفیتش را ندانستیم بطور رای بدیم اما این مسئله مسلم است که امروز باید بیاورد و کترات ابتدا لازم نیست بواسطه آن محذوراتی که در پیش است و میدانید چه محذوراتی است بعضی از آنها ذکر شدنی است بعضی ذکر نشدنی است از آن جمله اینست که امروز دو بیست نقره رفته است خانه وزیر مالیه و هر يك اجازه ورود نقره را خواسته است و اشغالی هستند که میگویند که کترات اینرا بامن بدهند و جهت همان ارزانی نقره است.

**اسدالله میرزا** - عرض میکنم برخلاف عقیده بعضی از آقایان که اظهار کردند مدت لازم است معین بکنیم بنده عقیده ام اینست که لازم نیست بجهت اینکه وزارت مالیه از مجلس موافق یکماده قانون که این حق را داریم خواستند که مجلس تصویب کند معادل يك مبلغی نقره بیاورند و امروز سکه کند و مطابق پرسدانبکه داشتیم بنا بر این ماده قانون اساسی که بعد از این اگر بخواهند سکه بکنند قهر آید بمجلس بیاید بنده گمان میکنم مدت معین کردن که دو ماه دیگر یا هشت ماه دیگر بکلی بیحاصل است و اینرا هم از روی حساب میمائیم که ضربخانه مادر روز بیست هزار تومان سکه نمایند و شصت هزار تومان در ماه بشود و جمعه ها که انداختیم در ماه يك کرور میشود که میتواند سکه کند اگر مسلسل سکه کند این چهار کرور را در چهار ماه میتواند سکه کند و بعد از این چهار ماه چنانچه جناب رئیس اظهار کردند هزار جور چیزها پیدا میشود که باید در آنها رسیدگی کرد قیمت نقره ممکن است اختلاف پیدا کند که بعد شاید صلاح نباشد نقره بیاید پس باین جهات بنده گمان میکنم تعیین مدت امروز لازم نیست هر وقت بخواهند سکه کند مجدداً بنظر مجلس میسرانند اگر آنوقت مجلس وقفهای خودش را صرف کرد اگر آنوقت صلاح دانست که اجازه و ضروری برای مملکت داشت اجازه نخواهند داد در مسئله ضروری برای مملکت داشت اجازه نخواهد داد در مسئله که مذاکره میشود در خصوص اینکه وزیر مالیه بعد از آنکه اجازه دادیم بعد چه خواهد کرد به تجار خواهد داد یا دولت خودش وارد میکند اینجا بنده عقیده ام به آقایان و کلام مخالف است یا بنده را متقاعد کنید بجهت اینکه اگر نباشد بگوئیم نقره را توسط مکاری وارد کنند یا کشتی آن سئوالات را بمجلس پیش از وقت نباید از وزیر بنمایند وزیر امروز اجازه میدهد موافق مصلحت روز و مقتضیات وقت چهار کرور نقره وارد کند بعد اگر

دید وزیر موافق بترتیبی که منافع و مصالح دولت نیست رفتار کرده آنوقت و کیل حق انترپلاسیون دارد اورا می خواهد و میگوید شما امروز در این امور منافع دولت را ملاحظه نکرده اید آن حتی است که موافق قانون اساسی باماده شده است که از وزیر توضیح بخواهیم اما اینکه حالا بگوئیم برای ما شرح کنید که بفلان تاجر خواهد داد یا خودتان وارد میکنید بنده این را اصلاح نمیدانم خاصه در امروز که وزیر مالیه نان اعتمادی دارید و از او نباید سؤال بکنیم که برای ما شرح بدهد که بفلان تاجر خواهد داد یا خودشان وارد خواهند کرد و صرفه دولت امروز باین است که خودش وارد کند ولی در صورتیکه از برای آنها ممکن باشد يك تكلیف شاقی است که حکماً میبایستی خود دولت وارد کند شکل دیگری هم هست قسمتی از تجار بقیه متاسبی یا نقره را وارد میکنند بشما میدهند یا بترتیبی که سابق رفتار کرده اند میکنند و بترتیبی که دارند ضرب میکنند و يك حق العملی بضرابخانه میدهند در هر صورت بعد از اجازه دادن چهارگرو در نقره اگر حرفی داشته باشیم انترپلاسیون میکنیم امروز می توانیم معین کنیم و از ایشان سؤال بکنیم حالا نمی توانیم سؤال بکنیم .

**منتصر السلطان** - بنده مقصود عرضم این بود که اگر تعیین مقدار نقره را نکنیم و معین نکنیم مدتش را وقتیکه اجازه دادیم میدانیم بعد از ۳ ماه دیگر چهار گرو از ما اجازه خواهند خواست یا باید همیشه ما بعضی مصارف لازمه مان را از همین محل تصور کنیم عقیده بنده این است که نقره فوق العاده ضرر دارد بعضیها هم عقیده شان این است که ضرر ندارد ورود نقره و اگر همیشه ما سه ماه سه ماه یا چهار ماه بچهار ماه بدانیم يك لایحه میاید اینجا و وزیر مسئول خواستار میشود که ما بعضی اجازه ها بدهیم که از همین مجلس هم باید بگذرد و همیشه باید اجازه بدهیم و مذاکره نشود در اینکه چه ماخذ نقره وارد می کنند و اگر چنانچه لازم است مذاکره بشود و مدتش هم معین بشود که برای یکسال و نیم است یا برای هشت ماه یا برای دو ماه است .

**فهییم الملک** - در باب نقره دو جلسه آمده ایم مذاکرات را شنیده ایم چه در کمیسیون چه در مجلس علنی تمام این نکات و دقائق ذکر شد مخصوصاً برای محدودیت مقدار نقره خیلی دقت شد چون کمیسیون بدلیل ثابت کرد که عجالتاً هم باید مقدار نقره معین باشد هم مدت و حالا اگر باید بآنها داده شود خیلی اسباب تضییع وقت میشود ولی باید حتماً بشود بطور صحیحی که جهات خیلی سختی دارد که اگر مقدار را معین نکنند دچار بعضی اشکالات خواهیم شد ضرر خواهد داشت برای آتی دولت و باین ملاحظه وزیر مالیه در این لایحه که داده اند ضرب توضیح نکرده اند مطلب را خوب بود يك قدری واضح تر بیان میکردند یعنی مدت را مخصوصاً معلوم میکردند حالا شاید چیزهایی بنظرشان رسیده است که خوب توضیح نکرده اند ولی خوب بود يك قدری واضح توضیح میکردند که میدانستیم و اگر واقعاً صرفه است که معین بشود و اگر ملاحظاتی هست که در کمیسیون مجلس نشد خوب بود این را هم معلوم بکنند در خصوص اینکه تاجر بکنند یا

دولت این هم باز مذاکره شد مقصود این بود که نگویند چون تاجر مملکت که در تهران هستند منتفع میشوند و تاجر سایر ولایات منتفع نخواهند شد ولی این را عرض میکنم که خوب است وزیر مالیه در این خصوص رأی خودش را اظهار بدارد و توضیح بدهند و يك راهی هم معین بشود که اگر ممکن است دولت خودش اقدام کند آنوقت مذاکره بشود و کاملاً این لایحه بطور صحیح از مجلس بگذرد .

**متین السلطنه** - در این شکلی که گفته شد بنده گمان میکنم که بقدر کفایت در این باب در جلسات سابق مذاکره شده باشد و مقصود از طرح کردن این لایحه در مجلس گرفتن يك نتیجه باشد ولی بدبختانه می بینیم این نوشته خیلی مختصر و مبهم که از وزارت مالیه پیشنهاد کردند این مقصود را دور می اندازد و ما را از رسیدن باین مقصود عقب تر می اندازد چنانچه خاطر محترم آقایان مسبوق است یکی از چیزهایی که خیلی لازم است يك قانونی است که در بضرابخانه باید گذارده شود زیرا همه میدانند آنچه که وزارت مالیه باید بفرستد و ما ها تصور میکردیم يك لایحه قانونی است و اغلب از آقایان هم تصور میکردند که در ضمن این لایحه قانونی بترتیب يك کنتراتی که لازم است در بضرابخانه بایستی بشود اجازه دادن هر نوع سکه صحیح نخواهد بود همه میدانند مادامیکه يك هیئتی که بکلی متصدی امری هستند در بضرابخانه تشکیل بشود کار بضرابخانه مرتب میشود و عیاری هم که در آنجا میزنند معین میکنند و معک میزنند و رسیدگی میکنند و لازم باینکه تشریح بکنیم نیست که چقدر نفع صحیح بر میدارند و تصور میکنم این لایحه در هر حال خیلی نا تمام است و ما ها بدون دانستن تمام شرایط نمیتوانیم حاضر بشویم در رای دادن .

**ناصر الاسلام** - بنده برخلاف تصور آقایان تصور دیگر میکنم که این لایحه که وزیر مالیه پیشنهاد کرده است يك لایحه تفضیلی از حال بضرابخانه است بخصوصیاتش عرض این است که میخواهم سؤال کنم که وزیر مسئول کبست و مسئول چیست قطع نظر از اینکه محل اطمینان است امروز یکی از وکلای پارلمان بود که منتخب شد و صلاح دیده است که چهار گرو در ظرف ۳ ماه سکه کند یعنی معین کرد و گرو سکه را حالا ببینیم امتیازش را بتجار خواهد داد یا خود دولت وارد خواهد کرد این از وظایف آن وزیر مسئول است که هیچوقت صرفه دولت را از دست ندهد و هیچوقت نمی توانیم بگوئیم که امروز وزیر مسئول مجبور باشد که بیاید این مقدار را معین کند که سکه چهار گرو را در چه موقع و در چه مدت می خواهیم این راهم نمی توانیم محدود بکنیم و اگر بگوئید که اگر مجلس این چهار گرو را اجازه بدهد سکه خواهم کرد و هر وقت لازم دانستم اگر نقره لازم باشد آنرا بمجلس پیشنهاد خواهم کرد در صورتیکه مجلس قبول کرد که قبول کرد والا اگر رد کرد که رد کرده در صورتیکه قبول کرد آنوقت عمل خواهد شد

**شیبالی** - عرض میکنم ما اساساً ضرب نقره را قبول کردیم در مدت و مقدار کنتراتی حرف داریم عرض میکنم مقدار چهار گرو را که وزیر پیشنهاد کرده اند بنده صلاح میدانم و لازم

هم میدانم و باین وزیر هم اطمینان دارم و هر طور که تصویب کرد ما هم تصویب اورا تصدیق میکنیم لکن در باب مدت لازم میدانم توضیح از وزیر مالیه بخواهیم که يك مدتی معین بکند که محدود باشد اما کنتراتی را که شاهزاده اسدالله میرزا توضیح دادند باید بشود و بنده شریک او در این عقیده هستم کنترل یا مفتش در اینکار خیلی لازم است و خیلی باید سعی کرد در اینکار صحیح بشود

**وکیل التجار** - بنده متأسفانه باید يك توضیح مفصلی بدهم و او این است که از جزئیات اینکار در کمیسیون مذاکره شده است و ضرب نقره در مجلس پیش گفته شد که ملاحظات صرفه جوئی و ملاحظه قیمت و ملاحظه آن منفعتی را که آن شخصی ... تحویل میدهد خواهد برد باید بشود و صدی ۱۲ منفعت برای آن واسطه ملاحظه شده است که نقره را می آورد و بضرابخانه میدهد و متقالی ۲۱ شاهی بدهد ملاحظه قیمت امروزی شده است و ملاحظه مخارج تالیف و در مدتی که طول میکشد ورود نقره و ضرب شدنش شده است اینک بعضی از آقایان میگویند که دولت امروز خودش این کار را بکند به بینیم اگر ممکن است برای ما که این پول را بدهیم و این صدی دوازده را ببریم باقی تفاوت او تمام برای دولت میماند اینک بعضی از آقایان میفرمایند دولت اینکار را بکند موقتاً که باید صدی دوازده فرع پول را بدهیم نمی توانیم این کار را بکنیم چیزهایی را که خودمان میدانیم دیگر نباید خودمان را گول بزیم و بیهوده وقت خودمان را ضایع کنیم این در وقتی است که بدانیم دولت يك پول زیادی دارد بی کار و بیانک میدهد صدی دو و صدی سه و یا صدی چهار فایده بر می دارد آن وقت بفرستد نقره بخرد و صدی دوازده نفع ببرد و اما کنترل این خیلی غریب است در این وقت بضرابخانه کنترالش با خودش است در بضراب خانه کنترل هست از طرف وزارت مالیه که مواظب سکه هستند و مواظب معیار عیار هستند و تمام مردم نقره را که در بضرابخانه بیرون میآید و در مملکت استعمال میکنند کنترل او هستند اگر يك قیراط تفاوت بکنند در يك قران یا اینکه بیک جزئی در مقدار عیار آن زیاد شود تمام مردم و صرافان بصدا در میآیند این جزئیات را ما نباید بگوئیم وزیر مالیه باید معین بکند در راپورت خودش که چند يك قرانی و چند دو قرانی خواهد سکه زد باین جزئیات ابتدا ما نباید داخل شویم اگر اینطور باشد خوب است اول شکل لایحه قانونی را در مجلس بنویسند و مجلس شورای ملی تصویب بکند که بعد از این وزراء تکلیف خودشان را بدانند بجهت این که هر شکلی لایحه پیشنهاد شود بیکدفعه مطول است قانونی نیست و بیکدفعه مختصر است يك دفعه هم حد وسط است یا فلان جزئیاتش را عنوان نکردند اورا هم بگویند فقط وقتیکه گفتیم چهار گرو تصویب شد که نقره بیاورند آنوقت جزئیاتش با خود وزیر است هر طور که صلاح میدانند میآورد فقط بنده آنچه عرض کردم زمان و مدت معین شود باز توضیح میکنم باین ملاحظه عرض کردم که امروز وزیر مالیه بیک مقدار کنتراتی کرد و آنها هم بملاحظه

تنزیلی که میبیرند آمدند قبول کردند اگر یکم مدت معین نباشد ممکن است آن آدم در ۷ ماه ۶ ماه ده ماه یکمقداری تحویل بدهد و باقی مقدار را نیارد آنوقت ضرابخانه بیکار میماند و بیهوده وقت میگذرانند این را هم بنده باین ملاحظه عرض کردم که وقت معین باشد که با کسانی که کنترات میکنند و از کسانی که نقره میخرند ترتیب معین داشته باشد و الا باقی جزئیاتش ابدان تکلیف مانیست .

**فانح الملك** - بنده می بینم که موضوع مباحثه تغییر پیدا کرده زیرا که جلسه سابق عنوان مقدار پول ومدت بود امروز میزان کنترات در میان آمده است نمیدانم من اگر مجلس حق این دارد که در کنترات دخالت نماید این يك مسئله دیگری است البته وقتیکه بنا شود که مجلس مداخله بکند در امور کنترات باید قرار دادی که با انکار یا با هر کس میکنند باید برای آوردن نقره مفصلاً بدهند که تقریباً هر گرام آن را بدهند که بچه ترتیب میخواهند این کار را بکنند آنوقت مجلس می بیند اگر اصلاح است تصویب میکند و اگر فقط منوط بدست است و مقدار آن روز هم اینطور قرار شد و میخواهیم رای بگیریم برای لایحه قانونی عقب انداختیم اینکار را بدو باید تکلیف وزراء را هم معین کرد بجهت اینکه اینها اگر بخواهند اینطور کار بکنند هیچوقت کار نخواهند کرد و هر وقت هم ما بگوئیم چرا کار نمی کنید می گویند در مجلس ده روز مباحثه کردید و نتیجه اش حاصل نشد و این هرگز بانتها نمیرسد بنده میدانم ما این حق را داریم که در مجلس کنترات و قرار داد را از وزیر مسئول بخواهیم یا يك وزیریکه طرف اعتماد شد و امروز اورا مسئول قرار دادیم جزئیات اورا باید خود ادرسیدگی بکنند اما در باب کنترل ضرابخانه کمان میکند فقط در باب عیار ضرابخانه است که رئیس ضراب خانه مسئول است همانطور که اظهار شد مشکل است که بگذارند در اینباب يك تغییر و تبدیل پیدا شود و در مسئله نقره در صورتی که خود دولت اینکار را بکنند و در افزایش پول میگیرد از قراریکه تحقیق کردم در اینحال چه کنترلی میخواهد بگذارید عیار وزیر مسئول دارد آن کنترل هم که رئیس ضرابخانه است مسئول است اگر يك اختلافی پیدا کرد عیار رئیس ضرابخانه مسئول است و اگر غیر از این کنترات را ما باید بکنیم یا انکار بکنند هستند بعضی از تجار که آنها هم داوطلبند که اینکار را بکنند .

**تقی زاده** - بنده يك مطلب جزئی را اینجا نفهمیدم هنوز لایحه بمجلس نیامده است که مختصر باشد یا مفصل این جواب کاغذ را نوشته است که بموقع لایحه اش را میفرستم يك مطلب دیگر اشتباه کلی است و این در مجلس سابق هم بود که میگویند این وزیر مسئول است دیگر چکار داریم این بنظر بنده خیلی عجیب میآید وزیر است دیگر چکار داریم این مباحثه منطقی است مباحثه دلایل است مسئله مشروعیت و غیر مشروعیت نیست خیانت و امانت هم وزیری داریم هر روزیکه باو اطمینان داریم هر کاری بکنند صحیح است نباید نباید اینجا مباحثه بکنند خیر بعضی مسائل قانونیست در مجلس سابق هم از يك وزیر غیر قانونی که بفر قانون وزیر

مسئول شده بود در خصوص يك حاکمی توضیحات خواستند که چرا این حاکم ظالم را آنجا فرستاده اید جواب گفت وزیر مسئول و همین را هم برای مسئولیت خود کافی میدانست بنده از این مسئله که صحبت میشود هیچ ملتفت نمیشوم که این چه تکلیف مجلس است اجازه دادن کجا جزء وظایف مجلس شورای ملی است هیچ بنده ملتفت نمیشوم که جز بر وظایف مجلس شورای ملی یکی هم اجازه دادن بامورات است بکوقت هم اجازه دادن دیگری است مجلس باید تنها قوانین وضع کند هر وقت نقصی در آن قوانین یا خلافی دید میتواند آنچه را که مخالف صرفه دولت است توضیحات بخواهد یکی هم در مسئله بودجه ادارات است که وزیر نمیتواند آن را خود بخود بکند و لازم می باشد که هر وقت می خواهد بیاورد اینجا توضیحات بخواهد ولی نمیدانم که لایحه وزیر مالیه داخل کدام موضوع است خوب یکی بگوید منم عالم بشوم بنده میگویم اگر این بموجب قانون است و مجلس قبول میکند که باید یکماده قانون در این خصوص وضع شود که همیشه از روی آن قانون عمل کند مثلاً می گوید سکه ضرر میکند شما هم اجازه میدهید این چهار کرور را اجازه بدهیم معنی این است که شما راضی بشوید که ما چهار کرور در چهار ماه ضرب کنیم یعنی آنقدر که بتوانیم ضرابخانه را براه بیندازیم با کمال عجله چهار کرور ضرب کنیم و وقتیکه تمام شد باز بیائیم بشما میگوئیم اجازه بدهید خواهش دارم که باز راضی شوید نقره بیاوریم این معنی این است که این قانون نیست خود اجازه خواهش داخلی هیچ بابی از ابواب مسائل نیست و هیچ همچو اصطلاحی نیست که مجلس اجازه بدهد و وزیر در سر يك مطلبی اگر جزو قانون است از مجلس نباید اجازه بخواهد باید از روی قانون يك قانون وضع بکنند پس مجلس چیزی در اینجا حق خودش میدانند این است که در خصوص سکه عرض کردم و آن مختلف فیه شد و گویا تنها در این مجلس با مجلس سابق دونفر فهمیدند مخالف است میگفتند سکه نقره در اینجا باید آزاد باشد مثل سکه طلای دول دیگر چون این سکه رایج است سکه رایج ما نقره است و سکه آنها طلا و چنانکه سکه رایج از اوست بگویم چون دلیلی نیارود ولی برعکس اینجا گفته شد خواه نقره سکه رایج باشد خواه غیر رایج باید همه جا بموجب قانون ضرب شود مدتها و مقداراً و بارش همه چیزش باید بموجب قانون باشد و باید معلوم شود که چقدر وارد شود و در مقابل چه طلائی باشد باید محدود باشد برای چه برای اینکه آن مال التجاره که ترقی و تنزل فوق العاده میکند آنچه را ما خنثی مملکت نمیتوان قرار داد در این صورت بکلی نمیتوان سکه را آزاد کرد زیرا که يك وقتی نظرم هست که پول سیاه آزاد شد و از این کار کلی ها ببرد خیلی ضرر خورد چطور که در تبریز خودم بودم دیدم و باز عرض می کنم چطور که سابق هم گفتم باید قانونی بر این کار نوشته شود بمجلس بیاید و از مجلس گذشته با مضای نایب السلطنه برسد جزو قانون شود مطابق همان نقره وارد کنند سکه کنند عمل کنند

**میرزا داود خان** - در چند روز قبل از این که از وزارت مالیه لایحه آمد بمجلس در باب ضرب نقره تقریباً یکساعت این جا مذاکره شد و بعد رفت بکمیسیون از کمیسیون که برگشت بمجلس آمد در

اینجا تقریباً يك ساعت وقت مجلس را معطل کرد و عاقبت قرار بر این شد و جناب رئیس این طور فرمودند که رای گرفته شود بعد گفتند که این رای بالایحه قانونی داده خواهد شد و فرمودند جناب رئیس که لایحه قانونی را باید بفرستد حالا امروز این نوشته را که وزارت مالیه فرستاده است لایحه قانونی نیست بلکه تعرض است بنده می بینم که یکساعت است وقت مجلس باطل شده است همان مذاکرات دو روز قبل را مجدداً از سر گرفته ایم اما اینکه میفرمایند وزیر مسئول است بلی وزیر مسئول است ولیکن بموجب اصل ۵۵ قانون اساسی ضرب سکه بموافقت قانون باید باشد هنوز قانونی از برای ضرب سکه در مجلس نگذشته است هر وقت قانون کلی در مجلس گذشت مسلم است که بموافقت قانون مجاز است که سکه بکند اما در باب امتیازات که امتیازات باید از مجلس بگذرد و ما نمیتوانیم این قسم که گفته اند رفتار نمائیم و باید امتیازش را بمجلس بیاورند از مجلس بگذرد

**دکتر اسمعیل** - بنده برخلاف بعضی از آقایان عرض میکنم که وزیر مالیه امروز لازم دانسته است که مقداری نقره وارد این مملکت شود و چهار کرور تصویب کرده اگر باو اطمینان دارید که پس از این مذاکرات خوب است رای گرفته شود در اساس و اگر چنانچه در مدت و مبلغش باز حرفی است باید او را بخواهید بمجلس تا توضیحات در این باب بدهد و در باب کنترل ضرابخانه خودش کنترل دارد و مجلس نباید کنترل بگذارد

**تقی زاده** - بنده در این باب توضیحات دارم و آن این است که بنده عرض کردم باید از روی قانون نقره سکه شود و وزیر هم باید از روی قانون تقاضا را بکنند عرض نکردم اطمینان نداریم بنده همیشه مایل بوده که وزراء در کار خودشان مسلط و مقتدر باشند و در این باب هم گفته شد که البته اساساً ورود نقره لازم است ولی باید مطابق قانون باشد و قانونی در این باب وضع بشود .

**مقیم السلطنه** - گویا عرض بنده نسبت به بعضی از آقایان اشتباه شده است عرض نکردم مجلس کنترل در ادارات جزو نگذاشت میخواهم عرض کنم مجلس خودش يك کنترل است از برای تمام ادارات اما در باب اینکه ضرابخانه کنترل دارد و حالا میگوئیم با اینکه ضرابخانه کنترل دارد میبینیم چقدر معایب پیدا شده است که در سایر ادارات که هیچ کنترل نیست هیچ این گونه عیوب پیدا نشده است .

**هشترودی** - اینکه آقایان میگویند که در اساس تصویب باید کرد عرض میکنم چیزی را که ما جزئیاتش را ندانیم و نفهمیم چطور رای بدهیم و این لایحه که امروز رسیده است خیلی مجمل و مبهم است در این نمیتوان رای داد .

**ناصر الاسلام** - بنده عرض میکنم در این باب مذاکرات زیاد شد بعضی از آقایان تصویب میکنند و بعضی دیگر هیچ تصویب بورد نقره نمیکنند بعضی مطالب دیگر میگویند و یکی اینکه اینجا گفته میشود که این لایحه قانونی نیست و نمیتوان رای داد بنده نمیدانم عرض از لایحه قانونی چیست مثلاً آنکه چند روز قبل در مسئله چاپارخانه های راه خراسان مذاکره شد گفته شد که باید لایحه قانونی



بمجلس پیشنهاد کند آنوقت رأی داده شود و حال آنکه این مسئله راجع بخود وزارت پست است وزارت پست حق داشت که این کار را بکند لازم نبود که از برای او يك قانون مفصلی وضع شود که آن قوانین را جلو خود گذاشته و مطابق او عمل کند.

**صدیق حضرت** - بنده اساساً در آوردن نقره حرفی ندارم و خیلی مایلیم که این هر چه زودتر از مجلس بگذرد ولی بعضی از آقایان اینجا مکرر لفظ کتترات را گفته میخواهم توضیحا اینجا عرض کنم که این کتترات نیست این يك مسئله اساسی است و او این است که وزیر مسئول يك لایحه در اینجا پیشنهاد میکند میخواهم بدانیم آیا مدافع این لایحه کیست در مجلس سابق غالباً ما خودمان تنها می آمدیم می نشستیم نه وزیری در کار بود و نه معاونی ولی این دفعه امیدوار بودیم که این عیب بر وزن کند و حالا می بینیم اول لایحه که بمجلس پیشنهاد شده است بهیچ وجه برای امداد در مجلس حاضر نیست و این را بنده هیچ لایحه قانونی نمیدانم باید هر وقت لایحه قانونی بمجلس می آید یا خود وزیر یا معاونش بمجلس بیاید تا در حضور او مذاکره شده توضیح از او خواسته شود و این سه فصلی است که بنده خودم نوشته ام اجازه میفرمائید بخوانم ملاحظه شود اگر صلاح میدانید همین را یا با يك تغییر و تبدیلی یا غیر از این نوشته شود و تصویب شود آن سه فصل از این قرار است.

**فصل اول** اینکه ضرابخانه می تواند دو کرور نقره ضرب نماید

**فصل دوم** مدت ضرب این ۲۰ میلیون مقال از شش ماه کمتر نخواهد بود

**فصل سوم** اجرای این امر بمهده وزیر مالیه معول است بنظر بنده این سه فصلی است که تقریباً وزارت مالیه باید بمجلس پیشنهاد نماید

**منتصر السلطان** - بنده میخواستم عرض کنم منافع ضرب نقره معلوم است لکن منافع آوردن يك لایحه در این خصوص هم چنانچه فرمودند خیلی زیاد است وقتی لایحه ضرب نقره آمد و در هر يك از مواد او مذاکرات لازمه بعمل آمد معلوم است زودتر و بهتر معلوم میشود که منافع دولت و ملت را چه قسم داراست بطوریکه جناب صدیق حضرت فرمودند يك لایحه نوشته شود و آن لایحه بمجلس بیاید و در آن زمینه مجلس مذاکره نماید.

**اسدالله میرزا** - اول بنده توضیح میکنم فرمایش جناب ناصر الاسلام را گویا اشتباهی فرمودند درباره چاپار خانه ها که در آن باب لایحه قانونی فرمودند قرار شد بنویسند اینطور نیست پریروز قرار شد که صورت مخارج چاپارخانه ها را بجزء بدهند که از روی اطلاع رأی و اجازه داده شود تا اینکه يك لایحه قانونی در خصوص قرار شد نوشته شود اما آنچه در خصوص کنترل گفته میشود هیچ آن چیزی نیست که وزیر مالیه خواسته است این مطلب علیحدگی است و بعضی صحبت میکنند از دادن امتیاز در صورتیکه صحبت امتیازی در این ورقه وزیر مالیه نیست فقط استعجازه ورود نقره است اما آن چیزی که آقای تقی زاده فرمودند که اجازه در هیچ جای دنیا بمجلس نیست عرض میکنم در ضمن فرمایشات خودشان فرمودند که ضرب سکه از چه راه اجازه اش بمجلس است از آنجا که ضرب

سکه در مملکت بموافقت قانون باید شود و اینهم یک مقدار ضرب سکه است که وزیر مالیه میگوید من صلاح میدانم فلان مقدار را لازم میدانم سکه بکنم و اجازه میخواهد در صورتیکه ضرب نقره هم بنابر آنچه خودشان و سایرین فرمودند چون سکه بر روی نقره است و باید محدود باشد باینجهت لازم است اجازه بمجلس بدهد.

**آقا شیخ محمد** - بنده عرض میکنم که مذاکره تمام شده است بجهت اینکه آنچه چیزی که امروز خیلی لازم است خارج از موضوع کردیم و آن اینست که من خیلی تمجب کردم از اینکه ما بعد از صدمه ها تجربه ها باز میخواهیم يك چیزی را تجربه کنیم آیا نبودند آقایان در کمیسیون عالی که چقدر صحبتها شد و چقدر محذورات دیده شد بعد از آن وجه اصرارات بعمل آمد بالاخره وزیر مالیه گفت من مسئول هستم بنده عرض میکنم کنترل صحیح است و یکی از اصلهای قانون اساسی است مقاله نامه که در قانون اساسی است در واقع همین کنترل است و چنانچه بدون اطلاع مجلس بشود ممکن است بیک نفر از تبه خاها داده شود آنوقت باید بگوید من مسئول هستم و می آیم در مجلس جواب میدهم و جواب دادن رفع آن زحمت که دادن به تبه خاها است نخواهد کرد.

**وکیل التجار** - بنده باز می بینم بعضی اشتباهات

شده است مثلاً بعضی از آقایان میگویند وزیر مالیه نمیخواهد بعضی از توضیحات را بدهد یا میگویند میخواهد بتأخیر نیاندازد هیچ ملتفت آن لایحه نشده اند ما يك مخالفتی در اساس داشتیم با آن لایحه اول وزیر مالیه و آن را وزیر مالیه بکلی خارج از وظیفه مجلس میدانند و میگویند لازم نیست مجلس در آن رأی بدهد حق وزیر مالیه است و من حالا داخل آن مذاکره نمیشوم و میگذارم برای آتیه و دلایل خود را پیشنهاد خواهم کرد اگر دلیلی دارم که ثابت کنم حق من است و الا مجلس اثبات میکند که خیر صحیح نیست و حق مجلس است و چیزی بکه برای آتیه خود گذاشت فقط این نبود بلکه اگر در نظر آقایان باشد و پروژنامه مجلس نظر کنند خواهند یافت که پریروز که در مجلس مذاکره شد گفته شد بدو يك رأی در خصوص مطلق آوردن نقره مجلس باید بدهد و بعد در خصوص مدت و مقدار وزیر باید توضیحات از روی دقت در این باب بدهد.

**رئیس** - خیلی از آقایان اجازه نطق خواستند و هر قدر مدت طول کشد معلوم است عقاید و افکار زیاد است و مجلس بیشتر طول میکشد و نتیجه حاصل نخواهد شد و بطوریکه من می بینم مجلس امروز بکلی برخلاف پریروز است آنکه بنا بود لایحه قانونی بیاید در خصوص مقدار و مدت بود و آن دو مطلب که بنا بود مطرح شود الآن نظر آقایان برشش نکته متوجه شده است یکی مقدار نقره یکی مدت یکی کنترل یکی کتترات یکی ماده (۵۰) قانون اساسی یکی هم ماده دیگر است که در نظرم نیست و یکی دیگر اینکه وزیر مالیه قانونی پیشنهاد کند مختصرش این است که آقای صدیق حضرت فرمودند و ممکن است بیست ماده دیگر هم بر او افزود که امروز در دولت ایران ماخذ پول بر نقره است دولت لازم میدانند پنج کرور شش کرور پول داشته باشند

و مصرف نماید اما آنچه راجع بسکه پول است معلوم است جهاتی است یکی آنکه عبارش چقدر است و وزنش در دوهزاری چقدر است اقسام پول دو هزاری یکقرانی دهشاهی پنجشاهی و غیره است لیکن میدانید ضرورت وضیق وقت بطوریکه که فرصت نوشتن يك چنین لایحه مفصلی که دارای تمام جزئیات باشد خواهد نوشت و استتکاف هم نکرده است و در خصوص این مواد قانونی حاضر شده مباحثات لازمه را خواهد کرد ولی معلوم است که در حال وزیر مالیه بطوری اهتمام خواهد کرد که صرفه دولت از دست نرود در خصوص کنترل هم میدانید يك ترتیبی از سابق بوده است و مخصوصاً تجاری بکه نقره میداده اند و می گرفتند نهایت مواظبت را میکردند که بهیچ وجه اختلاف نشود و فقط چیزی که لازم است و بعقیده بنده ضرورت فوری دارد این است که برای آوردن چند کرور نقره گرفته شود که آیا لازم است یا و در آخر

**تقی زاده** - بعد از این مذاکرات باید دورای مخالف معلوم شود این بعضی از آقایان پاره اظهارات میکنند و بعضی شکایت دارند و حق هم دارند يك مسئله عنوان میشود آنوقت يك وکیل اشتباهاً يك حرفی میزند یا يك مثل میزند در ضمن ملامت میگوید در هندوستان فلان ترتیب است آنوقت بکنفر آن لفظ هندوستانش را میگیرد و عقب میکند آنوقت او هم جزء مذاکره میشود اگر اتفاقاً سهوی طرفداران مطلب بکنند آنهم جزء مذاکرات میشود حالا در اینجا ابداً حرف عبار و کنترل نبود و ابداً صحبت اینهم نبود که مقدار و عبار و وزن سکه و اقسام پول چه قسم باشد و ابداً هیچ يك از آقایان نگفتند که کتترات باید بچه قسم بشود اگر هم میگفتند غرض بالذات نبود در اینجا دو مطلب اساسی بود یکی مقدار وارد نقره چون ضرورت و احتیاج تا يك درجه اثبات کرده است لزوم و مقدار پول را دیگر اینکه باید محدود باشد نقره باین جهت باید مدت معین شود که چهار ماه دیگر هم يك چنین اظهاری نکنند يك مسئله هم لازم بود معین شود که این حق مجلس است و همه روز وزراء حقوق مجلس را حق خود محسوب ندارند دیگر اینکه آنچه وزیر مالیه نوشته بود مثل يك اعلانی بود نه يك لایحه قانونی گفته شد باید لایحه قانونی نوشته بمجلس بیاید و آنچه در مسئله چاپار خانه سمنان و دامغان گفته شد پریروز از بابت این بود که در قانون اساسی مصرح است که فروش ارضیه دولتی با اجازه مجلس است باین جهت گفته شد بمجلس بیاید حالا همان دو طرفی که در مطلب دارد یقیناً اثباتا باید معلوم شود.

**وزیر زاده** - بنده عرض میکنم متأسفانه این مباحثات و مذاکرات لایتنامی است اولاً استدعا میکنم يك حدی برای نطقها معین شود که سایرین هم محروم نمانند و ثانیاً خوب است وزیر مالیه در جلسه دیگر بیایند و حضورا توضیحات لازمه بدهند و اگر واقماً مملکت را مادچار يك اضطراری میدانیم خوب است که برای بدهیم امروز و بیش از این وقت مجلس را تضییع نکنیم و مخصوصاً از آقایان و کلا استدعا دارم که در فرمایشات خودشان اتفاقات بفرمایند و منطقی صحبت کنند.

**حاج سید نصرالله** - وزارت مالیه يك چیزی نوشته اند و گفته اند فوریت لازم دارد و اگر مجلس بخواهد تمام این مناقشات را حل نماید طول میکشد و این منافی با فوریت است در صورتیکه وزیر مالیه فوریت و ضرورت آن را اشعار کرده است حالا رأی

بدهید اگر قبول شد بسیار خوب والا برود فکر دیگری بکنند  
**رئیس** - بلی بعضی از آقایان میفرمایند خوب بود وزیر مالیه میآید و جوابها را میداد بنده آنچه اطلاع دارم وزیر مالیه در باب همه مذاکرات حاضر است هر وقت تقاضا کنند خواهد آمد ولی در باب اینکه چهار ضرر لازم است آمده و تمام توضیحات خودش را در کمیسیون داده است اگر امروز هم حضورش لازم بود میآمد آنچه از مذاکرات مجلس قبل معلوم شد لازم نشد وزیر مالیه بیاید اینجا و حالا هم يك لایحه قانونی پیشنهاد نکرده است که بیاید توضیحات بدهد نه جزئیات او را اظهار کرده است که محل تعرض آقایان بشود فقط میگوید من لازم میدانم چهار ضرر تومان نقره ضرب شود دیگر در این باب بنده هیچ مذاکره لازم نمیدانم عرض میکنم باید رای گرفته شود هر کس رای داده بدهد هر کس رای نمیدهد امتناع میکند.

**کاشف** - اجازه میفرمائید بنده عرض دارم.  
**رئیس** - خیلی از آقایان قبل از شما اجازه خواسته اند و اجازه داده نخواهد شد مذاکره همینقدر کافی است حالا رای بقیام و قعود گرفته میشود در این خصوص که هر کس مذاکرات را تمام میداند و میگوید در باب ورود و ضرب نقره رای گرفته شود قیام نماید والا قعود نماید (اشخاصیکه قیام نمودند ۳۴ نفر بودند در این موقع کلوله سیاه و سفید توزیع شد و رای گرفته شد بعبارت ذیل که معاضد الملک قرائت کردند.)

وزارت مالیه ضرب چهار ضرر نقره را لازم میدانند هر کس رای دارد کلوله سفید بیندازد و هر کس رای ندارد کلوله سیاه بیندازد (رای گرفته شد) عدده حضار (۵۵) نفر کلوله سفید (۳۷) کلوله سیاه (۱۶) امتناع (۲).

( رئیس نتیجه رای را اعلام کردند و گفتند مجلس ورود ضرب چهار ضرر نقره را قبول کرد.)  
**صدیق حضرت** - اگر اجازه میدهد راپورت کمیسیون موقتی بودجه را قرائت کنم.  
**رئیس** - بفرمائید.  
 ( صدیق حضرت راپورت مزبور را بمضمون ذیل قرائت کردند.)

در اینوقت شروع بقرائت نظامنامه داخلی مجلس شده و ماده دوم که از کمیسیون عودت داده شده بود پس از مذاکرات در عبارتی که از کمیسیون نوشته شده بود رای گرفتند و يك دفعه هم برای تمام عبارات رای گرفته شد ماده هفتم و هشتم و نهم هم پس از مذاکرات زیاد با تغییرات لازمه رای گرفته شد در ماده دهم هم قدری مذاکره شد بالاخره رئیس اظهار کردند چون عدده کافی نیست بقیه مذاکرات میماند برای جلسه آتی.  
 (مجلس دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۱۹**  
**مذاکرات یوم پنجشنبه دوم شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۷**  
 مجلس دو ساعت قبل از غروب منعقد شد چون رئیس حضور نداشتند نایب رئیس دوم ممتاز الدوله مجلس را افتتاح کردند معاضد الملک خلاصه مذاکرات جلسه قبل را قرائت کردند.  
**نایب رئیس** - در این خلاصه نظری هست.  
**مؤتمن الملک** - يك مسئله از طرف بنده

پیشنهاد شده بود در باب ضرب نقره و در خلاصه قید نشده است و دیگر آنکه آنچه راجع بمواد نظامنامه است و رای در آن داده شده در این خلاصه قید شده است اگر بنا بشود هر چه در نظامنامه خوانده میشود در خلاصه نوشته شود خلاصه مفصل میشود و دیگر آنکه اشاره نشده است که راپورت کمیسیون بودجه موقتی چ بود.

**اسدالله میرزا** - دیروز در اینجا دو رای گرفته شد هر رای که گرفته میشود باید در خلاصه قید شود و اینکه آقای مؤتمن الملک میفرمایند گمان میکنم جوابش را همان رای اولی بدهد که مسکوت عنه بماند تا جلسه ثانوی توضیحات داده شود بعد یکی اظهار کرد که رای بگیریم از مجلس مذاکره کافی است و مذاکره شد که رای بگیریم یا نگیریم اکثریت تصویب کردند که مذاکرات کافی است و باید رای گرفت آنرا میبایست در صورت مجلس قید کرد.

**نایب رئیس** - صورت خلاصه درست میشود و مجدداً قرائت میشود موضوع مذاکرات امروز هم مباحثه در بقیه نظامنامه داخلی است.

**مؤتمن الملک** قبل از این که شروع بمباحثه میشود بنده عرض دارم و آن اینست که بنده گمان میکنم بلکه حتم دارم که این نظامنامه بترتیبی که ما مباحثه میکنیم و رای میگیریم يك چیز مجهول معلومی خواهد شد این شرایطی که در مورد دوائر قانونی در این نظامنامه قید شده است این شرایط را هیچ مراعات نکردیم راست است که چون هنوز نظامنامه نگذشته است نمیدانیم شرایط را مراعات کنیم ولی چون این مسئله اساسی است میشود همین مسئله را از خود نظامنامه بیرون آورد و این است البته هر وقت که از يك لایحه قانونی مذاکره میشود دو شور باید بشود شور اول باید در خود لایحه شور کرد و در کلیه مباحثه کرد یعنی در آن لایحه بطور کلی و رویه گرفته باید مباحثه شود و در دفعه ثانی داخل میشود بمواد نظامنامه ولی بعد از آنکه يك بيك مواد آن را مباحثه میکنند دیگر رای نمیگیرید چرا برای اینکه ممکن است يك ماده که رای گرفتیم مثلا ماده ۱۹ بعضی مطالب بنظر ما صحیح نمیباید او را جرح و تعدیل میکنیم بعد میرسیم بماده ۲ و چون او مربوط بوده است بماده ۱۹ مجبور میسریم که جرح و تعدیلش کنیم همینکه او را میخوانیم قبل از اینکه ملتفت شویم رای میدهیم بعد معلوم میشود ماده ۱۹ صحیح بوده است ولی چون ۱۹ را رای دادیم ماده ۲۵ را چون مربوط بوده است مجبور میشویم که او را جرح و تعدیلش کنیم اگر باین ترتیب برویم بآخر نظامنامه که میرسیم میبینیم که تمام را تغییر داده ایم بدینجهت بنده عقیده ام اینست چنانچه تمام اوایج قانونی را مراعات کنیم اول باید تمام مواد را يك بيك مباحثه کنیم تا آخر در ضمن این مباحثات آن موادی که بهم مربوط هستند و مذاکره شده آنها معلوم میشود در دفعه ثانی شروع میکنیم برای رای دادن و اگر این کار را بکنیم بنده گمان میکنم بی خود مباحثه میکنیم برای اینکه يك چیز بی معنی خواهد شد و این مسئله را بنده پیشنهاد میکنم که از امروز بعد این مواد را که میخواهند رای بگیرند همین قدر مباحثه کنیم اگر توضیحاتی لازم است داده شود تا برسیم بآخر نظامنامه بعد از آنکه بآخر نظامنامه رسیدیم آنوقت شروع میکنیم بدادن رای در باره

مواد بدون مباحثه دیروز هم يك اشتباه کلی در آخر نظامنامه شد البته خواننده باید که نوشته است که هیئت رئیس منسحب میشود سه شعبه شعبه اداری - شعبه تقنینیه رئیس دفتر جزء شعبه تقنینیه و مباشرین جزء شعبه اداری است و این در آخر نظامنامه نوشته شده است و مربوط است بماده هشتم و چون دیروز این ارتباط را ملاحظه نکردیم ماده آخر نظامنامه ضایع خواهد شد پس بهتر این است که ایندفعه بدون رای گرفتن مباحثه شود دفعه دیگر در مواد یکی یکی رای گرفته شود.

**نایب رئیس** - چون این مسئله تازه پیشنهاد شده است باید نوشته شده و بعد موضوع مذاکره شود حالا باید فهمید که نوشته شده بعد مذاکره شود یا اینکه الان همین مطلب را موضوع بحث قرار داد.

در این خصوص مذاکرات زیاد شد بالاخره قرار شد رای گرفته شود در اینکه ماده ماده رای گرفته نشود (اظهار شد که رای در هر ماده گرفته نشود مذاکرات بطول خواهد انجامید ولی معلوم نیست کی مباحثه در باب آن ماده ختم میشود و تولید زحمت خواهد کرد.) جواب گفته شد رئیس مجلس هر وقت یافت مذاکره در آن کافی است و اگر اجازه بدهد همان مذاکرات سابق تکرار خواهد شد که آنوقت اجازه نخواهد داد و میگوید مذاکره کافی است.

در اینموقع رای گرفته شد قریب باین مضمون هر که رای دارد در اینکه در هر ماده در قرائت ثانی لازم نیست رای گرفته شود و رای باید در قرائت ثالث گرفته شود قیام نماید (۳۷) نفر قیام نمودند با اکثریت پذیرفته شد.  
 بعد شروع بقرائت نظامنامه شد و تمامه ۲۹ مباحثه شد و موضوع مباحثه یادداشت شد که دفعه بعد رای گرفته شود.  
 مجلس یکساعت و سه ربع از شب گذشته ختم شد

**جلسه ۲۰**  
**مذاکرات یوم شنبه چهارم شهر ذیحجه الحرام**

مجلس دو ساعت قبل از غروب منعقد گردید عدده حضار ( ) غائبین ( ) خلاصه مذاکرات راجع بمعاضد الملک قرائت نمودند (بواسطه غیبت رئیس جناب حاجی صید نصرالله نایب رئیس اول بجای رئیس مجلس را رسمیت دادند)  
**نایب رئیس** - مناقشه دارد ( ایرادی نشد) امضا فرمودند.

در این موقع بنا بر ایرادی که جناب مؤتمن الملک بر خلاصه مذاکرات چهارشنبه فرغ ذیحجه الحرام نمودند لهذا صورت مجلس چهارشنبه را معاضد الملک قرائت نمودند.

**مؤتمن الملک** - دیروز که خلاصه صورت مجلس فرغ ذیحجه الحرام قرائت شد عرض کردم رانی که بنده پیشنهاد کرده بودم در این باب رای گرفته نشد و این هم باید در صورت مجلس قید شود آنروز این اعتراض اینجا شد ولی نمیبینم که ...  
**نایب رئیس** - مطلب خودتان را ثانیاً خوب توضیح نمائید.

**مؤتمن الملک** - يك رأسی بنده در باب مسئله نقره در فرغ ذیحجه گفتیم و قتیکه لایحه یعنی کاغذ وزیر مالیه خوانده شد اینجا بنده يك رأسی

پیشنهاد کردم از مجلس اظهار نشد بنامش بعد که خوانده میشود یادداشت شود حالاهم مجدد خوانده شد و اشاره نشده است و در صورت مجلس غره ذی حجه نوشته شده بود و پررود هم که خوانند این اعتراض شد بنامش که تصویب بشود و بنویسد حالا هم که خوانده میشود نوشته نشده .

**معاضد الملک** - صورت رای خود را باید تائید فرمائید .

**لسان الحکما** - گمان میکنم یک نفر از نمایندگان باید در آن انتخاب درجه دوم در آن و نفرات انتخاب بشود قانوناً حالا نمیدانم چرا نوشتند که در مجلس انتخاب بشود بنده میخواستم عرض کنم چرا در صورت پنج نفر نوشته شده است که باید انتخاب شود .

**معاضد الملک** - در نظامنامه انتخابات کنگ است این مطلب که اگر مجلس افتتاح شد این وظیفه و وظیفه مجلس است یا اینکه بایستی آن اشخاصیکه سابقاً انتخاب کرده بودند یا از میان خودشان انتخاب بکنند و یا اینکه منتخب درجه اول است مسامحت است اگر بایستی در این خصوص مذاکره شود این ماده در نظامنامه مبهم است اگر بناست مذاکره شود یک مجلس مخصوصی لازم دارد مطرح شود

**نایب رئیس** - موضوع بحث این یادداشتی است که خوانده میشود

**ذکاء الملک** - از انجمن سوداگران ایرانیان مقیم مصر سابقاً یک تلگراف تبریکی رسیده بود حالاهم لایحه مفصلی رسیده است مبنی بر تبریک و یک مکتوب مفصل هم از ارفع الدوله رسیده متضمن صورت خطابه که در روز جشن مجلس شورای ملی در سفارت کبرای ایران با حضور وجوه دولت علیه قرائت نموده و همچنین متضمن مقاله های جرائد اسلامبول که راجع با افتتاح مجلس بوده است

در این موقع شروع قرائت نظامنامه داخلی گردید و تا ماده ( ۶۶ ) مباحثه کردند و مطالب لازمه را یاد داشت نمودند پس از آن نایب رئیس اظهار داشتند فردا از سه ساعت بغروب مانده برای بقیه مباحثه نظامنامه مجلس منعقد میشود فردا صبح هم هر کس توضیحاتی میخواهد بدهد و در کمیسیون حاضر شود مجلس یکساعت و نیم از شب ختم شد

**جلسه ۲۱**

**مذاکرات یوم یکشنبه پنجم شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۷**

مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب منعقد گردید چون رئیس نیامده بودند لذا حاجی سید نصرالله نایب رئیس اول بجای رئیس جلوس فرمودند

**نایب رئیس** - امروز جناب رئیس بواسطه کسالتی که داشتند نتوانستند بعد از ظهر تشریف بیاورند .

( خلاصه مذاکرات جلسه قبل را جناب معاضد الملک قرائت کردند )

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - بنده یک ملاحظه دارم و به آقایان عرض میکنم یا بنویسید سه ساعت بغروب مانده یا در همان سه ساعت بغروب مانده حاضر شوند

**نایب رئیس** - صحیح میفرمائید ولیکن هیئت

رئیس در سه ساعت حاضرند باید و کلاهی محترم در موقعیکه اطلاع میدهند تشریف بیاورند و اینجا خبر میکنند هیئت رئیس باینکه در حقیقت این خیلی اسباب تاسف است باین ضیق وقت که ما داریم نباید مسامحه کنیم در اینکار همیشه باید مراقبت داشته باشیم که سه ساعت حاضر باشیم بجهت اینکه خیلی لوابح مهمه مفیده در هیئت رئیس موجود است که خیلی سزاوار است که باید زود بیاورند مجلس و بگذرد و استعفا میکنم که بموقع تشریف بیاورند و مناقشات الفاظی یک قدری کمتر بشود هر جا یک وقت نظری هست همانجا اکتفا شود

**متین السلطنه** - خوب است مقرر فرمائید هر کس دیر میآید اسمش را بنویسند

**نایب رئیس** - دیگر در صورت مجلس فرمایشی داشتید اعتراضی نشد امضا نمودند

**میرزا ابراهیم خان** - زمان شروع بنطق تا پنجاه و دو ثانیه بطوری نطق فرمودند که مسوع نویسنده گان نگردید ۰۰۰۰ همینطور که فرمودید لوابح ۰۰۰۰ از برای اصلاح نظامنامه هیچ ضروری ندارد که بعضی جلسات طرف صبح منعقد شود تا در جلسات و عصر یک قدری کار کمتر شود

**نایب رئیس** - اینکه میفرمائید خیلی خوب است ولی چون کمیسیون ما هم داریم و خوب است که همانجا در کمیسیونها مساعدت کنند و کار خودشان را بکنند و عصر هم که سه ساعت بغروب شروع میشود تا ساعت دو از شب رفته باز هم خیلی قیمت است روزها خیلی کوتاه است اگر کمیسیونها نبود خیلی خوب بود صبح عصر هر دو باشد

( در اینوقت شروع قرائت و اصلاح نظامنامه داخلی گردید )

و تا ماده ( ۱۱۸ ) قرائت شد و مجلس در یکساعت و نیم از شب ختم و موقوف بروز ۳ شبه آینده گردید در سه ساعت بغروب

**جلسه ۲۲**

**صورت مذاکرات یوم سه شنبه هفتم شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۷**

مجلس ۲۰ دقیقه قبل از غروب بعد از اینکه یکساعت سرأ منعقد بود علنی گردید

**معاضد الملک** - خلاصه مذاکرات مجلس یوم یکشنبه پنجم ذیحجه را قرائت کردند

**رئیس** - ملاحظه در صورت مجلس هست یاخیر

**متین السلطنه** - چنانچه سابق هم عرض شد خوب است در صورت مجلس یا بکلی اسم برده نشود یا اگر اسم برده میشود باید از هر کس اسم برده شود مثلاً در این صورت مجلس نوشته شده است که نایب رئیس فلان اظهار را کردند و اسم برده نشده است مقصود کدام نایب رئیس است آقای حاجی سید نصرالله و آقای ممتاز الدوله و اسم برده شده که خلاصه را معاضد الملک قرائت کردند در صورتیکه باید که در هر دو جا اسم برده نشود یا اسم برده شود و دیگر قرار شد که اسامی اشخاص که دیر میآیند یادداشت شود گویا یادداشت نشده است .

**محمد هاشم میرزا** - تا ماده سیزدهم

**ذکاء الملک** - خیر تا فصل سیزدهم ماده ۱۱۸

**رئیس** - موضوع مذاکرات امروز اولاً قرائت نظامنامه داخلی است و بعداً انتخاب پنج

نفر و کیل است که بجای آقای صنیع الدوله و آقای مشیر الدوله و آقای وثوق الدوله که استعفا کرده اند و مرحوم یحیی میرزا و مرحوم آقا میرزا باقر حسام - الاسلام در این موقع شروع قرائت نظامنامه شد و تا ماده ( ۱۳۶ ) قرائت و موضوع مذاکره یادداشت شد

**رئیس** - موضوع مذاکرات فردا اولاً انتخاب پنج نفر و کیل است که چون امروز دیر شد فردا افتاده و بعضی نوشتجات و تلگرافات و تلگراف تصراحت و کافذا انجمن ارمانه راجع با انتخاب و کیلشان است

**تقی زاده** - بنده بعضی عرایض دارم راجع

بغود مجلس است اجزاء هر یک از ادارات دولت از بستخانه و گمرک و غیره که صبح تا شام باید کار میکنند صبح سه ساعت از دسته میروند و عصر یکساعت قبل از غروب فارغ می شوند و میروند در خانه های خودشان راحت می نشینند و اما که از ولایات آمده ایم اینجا حاضریم از صبح تا شام مثل عمه کار بکنیم و عصر بخانه برویم میدانیم بین تمام ماها شاید چهار پنج نفر بیشتر باشد که کالسه و درشکه و آدم و مستحفظ دارند باقی باید بزحمت زیاد بروند دو ساعت سه ساعت از شب گذشته در صورتیکه در راه همه قسم ممکن است اسباب زحمت فراهم شود فردا هم کل و باطلاق خواهد بود و این را امتحان کرده ایم اگر مجلس یکساعت قبل از غروب منعقد شود دو ساعت از شب گذشته ختم میشود و اگر سه ساعت یا چهار ساعت بغروب مانده مجلس منعقد بشود باز هم دو ساعت از شب گذشته مجلس ختم میشود و اینطور نباید بشود وقت مجلس نباید محدود باشد

که لااقل نیم ساعت بغروب مانده مجلس ختم شود برای اینکه ما نمیتوانیم هر کدام چند نفر مستحفظ همراه داشته باشیم بیائیم بنده حاضر از صبح بخوابیم بیایم مشغول کار بشوم یا عصر یا نیم ساعت بغروب مانده بخانه بروم برای اینکه بعضی از ماها منلاً باید بروند دروازه قزوین و آنجا مثل فرنگستان نیست که خیابانها چراغ الکتریک داشته باشد و پلیس منظم و خیابانهای ساخته پس در هر صورت و کلاً باید زود بروند بخانه خودشان

**رئیس** - صحیح است باید کاری کرد که مجلس بموقع منعقد شود ولی چیزی که هست این است که آخر مجلس را نمیتوان نیم ساعت بغروب مانده معین کرد باید طوری کرد که لااقل غروب ختم شود

**وکیل التجار** - بنده غروب ختم شود قبول دارم ولی از آنطرف باید سر وقت حاضر شویم یک روز نشده است که از ابتدای این مجلس دو ساعت و نیم بغروب منعقد شود بنده عرض میکنم غروب ختم شود ولی سه یا دو ساعت و نیم بغروب منعقد شود

**حسنعلی خان** - بنده عرض میکنم استعفا از هیئت رئیس ندارم که ما را مجبور کنند باینکه سر وقت حاضر شویم تا ناخیر در موقع انعقاد نشود

**تقی زاده** - بنده اینجا عرض دارم که هیئت رئیس نباید ما را مجبور کنند همین قانون داخلی که نوشته شده است حاکم این قضایا هست محتاج باجبار هیئت رئیس نیست ( مجلس دو ساعت و نیم از شب گذشته ختم گردید )

**رئیس** - صحیح است باید کاری کرد که مجلس بموقع منعقد شود ولی چیزی که هست این است که آخر مجلس را نمیتوان نیم ساعت بغروب مانده معین کرد باید طوری کرد که لااقل غروب ختم شود

**وکیل التجار** - بنده غروب ختم شود قبول دارم ولی از آنطرف باید سر وقت حاضر شویم یک روز نشده است که از ابتدای این مجلس دو ساعت و نیم بغروب منعقد شود بنده عرض میکنم غروب ختم شود ولی سه یا دو ساعت و نیم بغروب منعقد شود

**حسنعلی خان** - بنده عرض میکنم استعفا از هیئت رئیس ندارم که ما را مجبور کنند باینکه سر وقت حاضر شویم تا ناخیر در موقع انعقاد نشود

**تقی زاده** - بنده اینجا عرض دارم که هیئت رئیس نباید ما را مجبور کنند همین قانون داخلی که نوشته شده است حاکم این قضایا هست محتاج باجبار هیئت رئیس نیست ( مجلس دو ساعت و نیم از شب گذشته ختم گردید )

**رئیس** - صحیح میفرمائید ولیکن هیئت

جلسه ۲۳

صورت مذاکرات یوم چهارشنبه  
هشتم شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۷

مجلس دوساعت و بیست دقیقه قبل از غروب منعقد و خلاصه مذاکرات جلسه قبل را معاضد الملک قرائت کردند .

**وکیل التجار** - دیروز هم در صورت مجلس نوشته بود که پنج نفر وکیل انتخاب شوند و نشد خوب بود علت تمسطل و اینکه انتخاب نشد نوشته میشد .

**رئیس** - بواسطه ضیق وقت ممکن نشد موضوع مذاکره امروز اولاً لایحه حضرت رئیس الوزراء در باب کشف معدن فیروزه دوم قرائت کاغذ انجمن ارامنه در باب تعیین یک نفر نماینده سیم انتخاب پنج نفر نماینده و قرائت تلگرافات واصله از نجف اشرف در راه پورت کمیسیون اعتبار نامه ها در باب وکیل قشقائی و بعد اگر وقت شد قرائت نظامنامه داخلی - در این موقع لایحه رئیس الوزراء را قرائت کردند .

**رئیس** - بلی آن سنگهارا البته آقایان در آن اطاق چه تراشیده و چه نتراشیده ملاحظه فرموده اند اینجا مطلب دوتا است یکی آنکه حضرت رئیس الوزراء اطلاع میدهند که معدنی در ساوه پیدا شده بترتیبی که در اینجا مرقوم فرموده اند و واقعا باعث خوشبختی است ولیکن برای بعد ها که آن معدن چطور عمل شود شفاهاً و کتباً از طرف مجلس اظهار شد یا خودشان یا هر کس یا کمیانی برای کار کردن در فیروزه حاضر هستند این مطلب را بوزارت فوائد عامه پیشنهاد نمایند پس از اینکه وزارت فوائد عامه ملاحظات خود را کرد ترتیبات آن را با شرایطی که لازم است پیشنهاد مجلس خواهند کرد که موافق آن عمل شود عجباً مقصود این بود که رئیس الوزراء یک زحمتی کشیده اند و از خودشان یک خرجی کرده اند گویا اول باور نمی کردند و بعد که محمد جعفر میرزا که در علم معدن شناسی مهارت تامه دارند بایک جهد و سعی فرستاده اند آنجا لکن این یک معدنی است که صد سال قبل کار کرده اند چون در این معادن بدکار کرده بودند غالب آنها مسدود شده بود و یکی دویارچه از آنها را سیل برده بوده است در دره و یک شبانی پیدا کرده است و این اسباب شده است که خود معدن را کشف کرده اند و امروز هم باید پنج نفر نماینده بموجب نظامنامه انتخابات انتخابات شوند لکن چنانچه ملاحظه میفرمایید یکی از آنها که شاهزاده یحیی میرزا باشد چون قبل از افتتاح مجلس مرحوم شده است پس مجلس نمیتواند عوض او را رسماً انتخاب کند باید تهران معین کند و آن چهار نفر دیگر که سه نفر از آنها استعفا داده اند که دو نفر آنها از وکلای تهران و یک نفر آقای مشیرالدوله وکیل استرآباد است و یک نفر هم آقای حسام الاسلام که وکیل خراسان و مرحوم شده اند عوض آن و نفر هم در مجلس علتی موافق نظامنامه انتخابات انتخاب خواهد شد در خصوص آن یک نفر دیگر باید بوزارت داخله اظهار کرد موافق معمول همان ۵ نفر منتخبین درجه اول حاضر شوند در عوض آن یک نفر را انتخاب کنند .

محمد هاشم میرزا - در قانون اساسی

مرقوم شده است هر یک از اعضاء ۳ ماه قبل از انتضاء دوره مرحوم یا مستعفی شود عوض آن را مجلس انتخاب نماید اگر مقصود از اعضاء پس از افتتاح مجلس است یعنی پذیرفته بشود بهضویت که حسام الاسلام هنوز پذیرفته نشده بود و باید عوض ایشان را حوزه انتخابیه خراسان انتخاب نماید .

**وکیل التجار** - این انتخاب فردی خواهد بود یا جمعی (گفته شد جمعی)

**آقا شیخعلی** - اگر عوض یحیی میرزا را طهران باید انتخاب کند عوض حسام الاسلام را هم باید حوزه انتخابیه خراسان انتخاب نماید .

**لسان الحکما** - اما در باب انتخاب جمعی که فرمودید چون اینجا باید نماینده هر ایالت و ولایت معین باشد زیرا که مثلاً عوض نماینده خراسان معلوم باشد کیست که مجلس انتخاب کرده و آنها نماینده خودشان را بشناسند و اگر بنا شود مجلس با انتخاب جمعی پنج نفر را انتخاب نماید آنوقت اهالی خراسان تصور میکنند که آنها در مجلس وکیل ندارند باین جهت بنده عقیده ام اینست که انتخاب فردی کنند تا معین باشد که منتخب خراسان کیست .

**رئیس** - آقایانیکه میخواهند مذاکره فرمایند توجه کنند که اول باید این مطلب معلوم شود که عوض آقا میرزا باقر مرحوم را مجلس باید انتخاب نماید یا حوزه انتخابیه خراسان .

**کاشف** - این وظیفه بزرگی است که بعهدہ مجلس وارد است و تا بحال این مسئله بمجلس نیامده بود و این اول دفعه است که بمجلس آمده است و بنده در خصوص انتخاب وکلای حوزه انتخابیه خودشان بتوانند انتخاب کنند پس راجع بوکلای تهران میشود خوب است حالا چند نفری را بمجلس پیشنهاد کنند چون اگر اشخاص را ما در نظر داشته باشیم چون هر کدام از یکجا آمده شاید اتفاق بین ما حاصل نشود پس راجع بوکلای تهران میشود باین جهت استدعا میکنم از وکلای تهران که اشخاصی را انتخاب نمایند که از برای ملت سر مشق باشد که بدانند چه قسم اشخاص را باید انتخاب نمود و چنانچه خود هیئت رئیسه هبیتی را اینجا پیشنهاد نماید بهتر است برای اینکه شاید ما اشخاصی را بنویسیم که اکثریت حاصل نکند .

**ارباب کیخسرو** - در خصوص آقای حسام الاسلام مذاکره شد آنوقت مجلس میتواند نماینده را انتخاب کند که آن نماینده معرفی شده و اعتبار نامه او رسیدگی شده باشد و چون اعتبارنامه ایشان بمجلس نیامده و این مجلس اطلاع ندارد مجلس نمیتواند انتخاب کند .

**منتصر السلطان** - در خصوص نماینده خراسان آن چیزیکه در خصوص نمایندگان از خراسان بطور متحدالامال نوشته شده بود اسم ایشان هم در توی آن ذکر شده بود و تقریباً مثل این است که آن اعتبارنامه بوده است و چون ایشان بمدار افتتاح مجلس برحمت ایزدی بیوستند عوض ایشان را باید مجلس انتخاب نماید و در خصوص انتخاب فردی و جمعی چون مجلس عجباً نماینده سی کرور ملت ایران است باین ملاحظه باید انتخاب جمعی باشد نه انتخاب فردی .

**وکیل الرعایا** - بنده آنچه در قانون دیده ام این است که نوشته وکیل که سه ماه باخر وقت مجلس باقی مانده باشد دیگر نوشته که بمجلس آمده

باشد یاخیر پس این یک چیزی است که هر شکل مجلس امروز قرار بدهد صحیح است هر چه مجلس بگوید مجری است اما اینکه فرمودید در خصوص یک نفریکه عوض مرحوم شاهزاده یحیی میرزا اعلی الله مقامه الشریف باید از آن ۵ نفر انتخاب شود چون یک مسئله هم در ضمن است که یک نفری است که فراموش شده بود خوب است او را انتخاب کنند چون هر کس میتواند درباره کسیکه بصیرت دارد انتخاب میکنند بالاخره او را انتخاب خواهند کرد و چون وکلای که تازه تشریف آورده اند بصیرت تامه ندارند خوب است مجلس قبول کند که راجع به مانجا شود بهر حال اکثریت تام کار خودش را خواهد کرد

**محمد هاشم میرزا** - بنده عرضی که کردم باید رجوع بنظامنامه فرمایید و جواب مسکت بدهند که بنده قانع شوم .

**میرزا داودخان** - مرحوم یحیی میرزا قبل از افتتاح مجلس برحمت ایزدی بیوست و اعتبارنامه اش هم بمجلس نیامده است و مرحوم حسام الاسلام بعد از افتتاح مجلس مرحوم شده اند و اعتبارنامه ایشان هم در جزو اعتبار نامه های خراسان بمجلس رسید پس آن مرحوم جزء اعضاء مجلس بوده است و عوض او را مجلس باید انتخاب نماید .

**وکیل التجار** - البته معلوم است که عوض مرحوم حسام الاسلام و شاهزاده یحیی میرزا را مجلس باید معین کند ولی اینکه گفته میشود اشخاص باید معرفی شوند بهمین جهت بود که در هفته قبل خبر کردند سه شبه آتیه انتخاب پنج وکیل خواهد شد که هر کس میخواهد تحقیقات خودش را درباره کسیکه میخواهد انتخاب کند بنماید .

**اسدالله میرزا** - عرض میکنم اینجا دو مسئله قانونی است که باید آندو مسئله را حل کرد و بعد شروع کرد با انتخابات می بینم عقاید مختلف است در این دو مسئله بجهت اینکه در دو جای قانون تصریح کرده که انتخابات وکیل را میبایست فردی کرد و یا آنکه اگر یک وکیل فوت کند چه باید کرد و اینکه گفته میشود انتخاب جمعی باشد بنده که در هیچ جای قانون نمی بینم این مسئله باشد و هیچ راه حلی برای او نمی بینم اما در باب وکلای آذربایجان که استعفا کردند و عوض ایشان را انتخاب کردیم بنده عرض میکنم در آن موقع ناچار بودیم از این مسئله برای تکمیل عده ولی امروز نمی توانیم بآن برسند عمل کنیم آن روز یک اقدامی بود کردیم و گمان میکنم هر مجلس هم تصدیق نکنید و اگر امروز مجلس رأی میدهد که عوض مرحوم شاهزاده یحیی میرزا را مجلس انتخاب کند این رأی صحیح است و اگر هم رأی میدهد که همان چهار پنج نفر را انتخاب کند صحیح است اما در مسئله انتخاب جمعی و فردی بازم عقیده بنده این است که بسته برای مجلس است بعضی ها عقیده شان این است که فردی باشد بجهت اینکه نماینده هر ولایتی باید معلوم باشد این هم دلیل صحیحی است ولی بعضی هم می گویند که این نماینده مملکت است و حق مجلس است که باید انتخاب کند این هم یک دلیلی است ولی چون قانون نه عقیده این دسته را تصریح کرده و نه آن دسته را مصدق این دورای بعقیده بنده رأی مجلس است (گفتند صحیح است) .

**رئیس** - در مسئله انتخاب جمعی و فردی در

مجلس سابق عمل با انتخاب جمعی کردیم.  
**آقای شیخعلی** - خوب است همانطور که  
 شاهزاده اسدالله میرزا اظهار کردند برای گرفته شود  
**افتخار الواعظین** - اعتبارنامه های خراسان  
 در هر اعتبارنامه اسامی پانزده نفر نوشته شده بود  
 بلکه تجدید انتخاب هم در آنجا نوشته شده و مرحوم  
 حسام الاسلام هم بعد از افتتاح مجلس فوت شده محققاً  
 جزء اعضاء مجلس معرفی شده است و باید عوض او  
 را مجلس معین کند ولی عرضی که دارم این است  
 که ما وکلای خراسان که در اینجا هستیم چند نفر  
 را در خراسان می شناسیم و نشان میدهم و اسامی  
 آنها را می نویسیم ولی چون میدانیم که ۶ نفر یا ۷  
 نفر اکثریت نخواهد شد پس استدعا میکنم که این  
 کار بزرگ را خود هیئت رئیسه در عهده بگیرند یعنی  
 اشخاص را که قابل و سزاوار میدانند معرفی بکنند  
 که ما هم آنها را بنویسیم و آراء ما بدرود و اکثریت  
 تام باشد.

**کاشف** - در هر صورت اگر هیئت رئیسه معرفی  
 نکنند بنده تصور میکنم اشخاصی که از اطراف  
 آمده اند هر کدام یکی دو نفر را می شناسند و اگر  
 هر کدام آنها را که می شناسند و قابل می دانند  
 بنویسند اکثریت پیدا خواهد کرد و باز راجع  
 میشود بوکلای تهران پس خوب است هیئت رئیسه  
 و وکلای محترم اشخاص را انتخاب کنند که از برای  
 سایرین سر مشق صحیحی باشد.

**میرزا مرتضی قلیخان** - بنده این قانون  
 را بجهت آقایان و کلا می خوانم ماده (۶۲) هر گاه  
 یکی از اعضاء مجلس استعفا کردند یا فوت نمایند  
 بیش از سه ماه با انقضای دوره مجلس باقی باشد مجلس  
 یک نفر با اکثریت تام بجای او انتخاب خواهد کرد  
 اگر این ماده صحیح است بجهت اینکه میگوید  
 اگر وکیل سه ماه با انقضای مجلس مانده فوت شد  
 لابد باید خود آن دوره انتخاب نماید و این حق مجلس  
 است اما در باب انتخاب جمعی فردی بنده عرض  
 میکنم انتخاب فردی سهل است و نقص قانون چه  
 جمعی باشد چه فردی از هیچ کدام نخواهد شد.

**فهم الملک** - این مسئله را که اسدالله میرزا  
 فرمودند که در قانون مصرح نیست بنده گمان  
 میکنم که مصرح است بجهت اینکه اگر یکی از وکلا  
 تا وقتیکه مجلس افتتاح نشده فوت یا استعفا نماید  
 مجلس در کار نیست که آنها عضو باشند مگر اینکه  
 مجلس افتتاح شود و مدت انتخاب هر وکیل را معین  
 نماید یکی دیگر اینکه سه ماه میگویند لابد از  
 اول افتتاح مجلس میگویند اما در باب انتخاب جمعی  
 فردی معین است فرد فرد و کلا که در مجلس  
 آمده اند نماینده کل ملت هستند در این صورت همان  
 انتخاب جمعی صحیحتر است.

**محمد هاشم میرزا** - گویا عرض بنده را  
 بعضی از آقایان ملت نشدند عرض بنده این بود که  
 چون اعتبارنامه مرحوم حسام الاسلام بمجلس نیامده  
 بود راجع بجوزة انتخابیه خراسان شود و در خصوص  
 سایرین بهتر ترتیبی که در مجلس سابق رفتار شده  
 حال هم همانطور عمل شود.

**مؤتمن الملک** - در باب انتخاب جمعی و

فردی گفته شد در قانون تصریح نشده یا اینکه انتخاب  
 جمعی آسان و فردی مشکل است ما نباید ملاحظه آسانی  
 یا اشکال را بکنیم باید ببینیم هر کدام معمول بر  
 صحت است آنرا معمول بداریم و اینکه گفته میشود نماینده  
 نماینده سی کرور ملت است این طور نیست برای این  
 که هر ولایتی بعضی منافع محلی دارد و آن منافع  
 محلی را باید بتوسط نماینده آن محل پیشنهاد بشود و  
 او نماینده آن ولایت است و از آنجا اینکه بایستی منافع  
 عموم را ترجیح بدهد بمنافع محلی این است که گفته  
 میشود نماینده سی کرور ملت است پس اگر ما امروز  
 یک شخصی را معین کنیم این کافی نیست باید بدانیم  
 که این نماینده نماینده کدام ولایت است و در قانون  
 قید شده نماینده کافی که بعد از انعقاد مجلس برسند  
 باید بترتیب شعبات تقسیم شوند اگر ما انتخاب جمعی  
 بکنیم نخواهیم فهمید که بکدام شعبه باید برود و حال  
 آنکه اگر با انتخاب فردی باشد یک نفر را اول معین  
 میکنیم بجای مرحوم حسام الاسلام و اگر او میآید و  
 بمجلس میرسد میافتاد بشعبه اول آن کس که بجای  
 او انتخاب میشود باید برود بشعبه اول و همین طور  
 برای دیگران پس معلوم است نظر باینکه بتوانیم ملاحظه  
 نظامنامه را کرده باشیم نماینده های که بعد از انعقاد  
 مجلس میرسند باید بترتیب میان شعبات تقسیم بشوند  
 نباید انتخاب جمعی بشود باید انتخاب فردی بشود یکی هم  
 برای اینکه معلوم شود این نماینده نماینده کدام  
 ولایت است اینهم گفته خواهد شد که هنوز نظامنامه ما  
 تمام نشده است و ما شعبات نداریم اما میترسیم که  
 اگر انتخاب جمعی بشود چون سابق هم انتخاب جمعی  
 بوده است این یک سابقه بشود برای بعدا برای اینکه  
 این سابقه نشود حالا خوب است انتخابات فردی باشد.

**آقای شیخ محمد** - در خصوص اینکه انتخاب  
 جمعی باشد یا فردی باید رای گرفته شود و اینرا هم  
 باید معین کرد که اگر قانون نداشتیم که مجلس را  
 اجازه داده باشد برای انتخاب خوب بود همه انتخابات  
 را بملت واگذار میکردیم بجهت اینکه اگر وکیل  
 وکیل ملت باشد برای آنها هیچ اشکال ندارد و گمانم  
 این است که مرحوم حسام الاسلام داخل مجلس  
 نبود برای اینکه محض اسم او در  
 اعتبارنامه هست این کفایت نمیکند از اینکه اعتبار  
 نامه او از مجلس گذشته است ولی محض اینکه اسم  
 او را در اعتبارنامه ها ببینیم لازم است او را بصورت  
 بشناسیم و عوض او را هم مجلس انتخاب بکند.

**وکیل التجار** - اینطور که گفته میشود صراحت  
 ندارد لازم است اینجا بیان و شرح بدهیم بعضی را  
 شرح داده ایم ولی عمل بهر چه شده است او خودش  
 تصویب است در باب مرحوم یحیی میرزا ما همه عمل  
 کرده ایم و قبل از انعقاد مجلس آقایانیکه او را  
 پذیرفته اند مثل این است که تصویب کرده ایم و  
 مجلس هم پذیرفته است و عقیده بنده این است این  
 را که عمل کرده ایم دیگر جای گفتگو نیست و در  
 مسئله ثانوی هم همینطور باید عمل کنیم بجهت اینکه  
 مرحوم حسام الاسلام جزو حضار برای افتتاح شده  
 شده است آن روزیکه میخواستیم مجلس را افتتاح کنیم  
 از طرف وزارت داخله و از طرف مجلس نوشتیم

عده حضار را مرحوم حسام در جزو آن اشخاص  
 بوده است فقط بواسطه ناخوشی نتوانست که روز  
 افتتاح در مجلس حاضر شود و پس از افتتاح مجلس  
 او جزو وکلای حاضر بود که او را میشناختیم و  
 میدانستیم که اگر ناخوش نبود و مریض نبود همه  
 روزه اینجا حاضر بود فقط علت مزاج او را مانع  
 بود این است که در مسئله انتخاب بنده شخصاً انتخاب  
 فردی را بهتر میدانم بجهت اینکه خیلی ملاحظات دارد  
**وکیل الرعایا** بنده گمان میکنم تمام قانون  
 را باید عملاً تمام مملکت نشان داد تا فراموش نکنند  
 بدانند که وکلای مجلس نه فقط از ایالات و ولایات  
 و بلوکاتی که آنها را انتخاب میکنند وکالت دارند  
 بلکه از طرف سی کرور ملت وکیل هستند و این را  
 باید بدانند که در استرآباد هم اگر بنده را میشناسند  
 میتوانند منافع خودشان را از این راه بمجلس  
 برسانند اما برای اینکه اطلاعات برای وکیل  
 لازم است ما هم البته اشخاص را خواهیم انتخاب کرد که  
 اطلاعات محل داشته باشند این با قانون انتخابات ما مطابق  
 است اما برای اینکه آنها باید بشعبات بروند اینهم البته  
 در وقتیکه مجلس او را انتخاب نکنند این ملاحظه  
 را خواهد کرد خوب است مجلس در این خصوص  
 زود رای بدهد و شروع با انتخاب کند که وقت زیاده  
 بر این تلف میشود.

**اسدالله میرزا** - بنده که اول عرض کردم  
 این مسئله قانونی است خوب است رجوع کنیم  
 برای مجلس برای انتخاب فهم الملک میفرمایند  
 مرحوم یحیی میرزا را نمیشود گفت جزو اعضاء  
 مجلس هستند آقایان هم بعضی تصدیق کردند ولی  
 بنده اینرا قبول نمیکنم آن ساعتی که یک وکیل را  
 بوکالت انتخاب کردند آن ساعت آن نماینده نماینده  
 و اعضاء مجلس است و مزایا و خصوصیاتیکه بوکلا  
 تعلق میگیرد باو هم با تعلق میگیرد یا نمیگیرد و این  
 یک مسئله قانونی است شما این مملکت را نمیتوانید  
 بسایر ممالک قیاس کنید برای اینکه در هیچ مملکتی  
 نیست که سه ماه یا چهار ماه بلکه شش ماه مردمش  
 مشغول انتخاب باشند ده روز یا نوزده روز منتها  
 یکماه وقتیکه اعلان کردند وکلای ایشان منتخب  
 شده در مجلس حاضر میشوند بنده خودم در مجلس  
 سابق نماینده بودم و تا چهار ماه وارد مجلس نشده  
 بودم این خودش یک مطلبی است و هر حکمی که  
 در این مورد جاری است درباره مرحوم حسام الاسلام  
 هم جاری است نمیشود تفکیک کرد پس بعقیده  
 بنده این است که میتوان این حق را بمجلس داد  
 که عوض مرحوم حسام الاسلام و مرحوم یحیی میرزا  
 را انتخاب بکند و اگر بعضی ها میگویند ما یک  
 سابقه داریم که بعضی ها استعفاء کردند و عوض  
 آنها را آن چهل و پنج نفر انتخاب کردند این جواب  
 خیلی سهل است و اینکه وکیل الرعایا میفرمایند که  
 استرآباد وکیل خودش را در مجلس بشناسد لازم  
 نیست وکیل خودش را بشناسد بنده اینرا بکلی منکر  
 هستم بجهت اینکه این حق مجلس است همان موکلین  
 که این وکلا را انتخاب کرده اند و وقتیکه مجلس  
 عوض آنها را انتخاب کند مثل اینست که خودشان  
 انتخاب کرده اند.

**رئیس** - چون بعضی از آقایان اجازه نطق  
 خواستند و اگر بخواهیم بحث کنیم مطلب طول  
 خواهد کشید خوب است زیاده بر این ده نفری

که اجازه گرفته اند در این باب کسی اجازه نطق نخواهد .

**صدیق حضرت** - بنده برضد انتخاب فردی هستم و امروز هم هیچ صحیح نمیدانم بجهت اینکه بعضی ها در دوره اول ده نفر را مینویسند بخیل اینکه سایرین هم خواهند نوشت و سایرین اشخاص دیگری را مینویسند و بهتر این است که انتخاب جمعی باشد و باین ترتیب اکثریت نسبی هم بدست نخواهد آمد .

**وکیل الرعایا** - بنده عرض میکنم اینطور که نوشته شده وکیل باید اطلاعات مجلس داشته باشد مثلاً حضرت اشرف مشیرالدوله در استرآباد آنقدرها زندگی نکرده اند تا از اطلاعات مجلس آنجا آنقدر که لازم است مطلع باشند حالا مجلس لازم است یکی را برای استرآباد منتخب کند که تمام قوانینی را که خودش گذاشته لاقلاً بتواند از عهد برآید یا غیر آنجا از جاهای دیگر و مقصود اصلی بنده این بود که نمایانستم آیا باید ملت وکیل استرآباد را انتخاب کند یا مجلس حالا معلوم میشود باید مجلس انتخاب کند که بتواند از عهد تکالیف وکالت برآید .

**فاتح الملک** - بنده عقیده ام اینست که عرض میکنم هر کس نماینده ملت شد و مطابق قانون انتخابات اعتبارنامه معتبر در دست داشت از آن روزی که منتخب شد نماینده ملت است چون موافق قانون انتخاب شده است چه مجلس تشکیل شود بمجلس بیاید و چه اینکه بسا هست تامدتی بعد از انتخاب مجلس منعقد نشود یا بمجلس بیاید در صورت صحت اعتبارنامه وکالتش صحیح است و وکیل ملت است و نمی توان گفت چون بمجلس نیامده از وکالت هاری است همین قدر که او موافق قانون انتخاب شد اورا میتوانیم وکیل بگوئیم و او در باب انتخاب جمعی و فردی و کلای این پارلمان وکیل تمام ملت ایران هستند و عرض میکنم وکیل اصفهان همان وکیل تهران و کرمان و غیره است ولی عوض فلان استرآبادی یا اهالی استرآباد که وکیل انتخاب کردند حال که استعفا داد گمان میکنند وکیل ایشان رفت و دیگر وکیل ندارند باید وکیل انتخاب کرد و اسمش را گذاشت بآنها هم نوشت که این شخص وکیل شما است .

**تقی زاده** - بنده عرض میکنم در اینجا سه مطلب پیدا شده و مباحثه میشود یکی در باب مرحوم حسام الاسلام که بعد از انعقاد مجلس مرحوم شده است یکی مسئله یحیی میرزا که قبل از انعقاد فوت شده است یکی دیگر انتخاب جمعی و فردی و حالا میخواهم در باب هر یک عقیده خود را عرض کنم .

**رئیس** - بلی همین طور است مطلب منقسم بچهار جزء شده است یکی انتخاب مرحوم حسام الاسلام یکی یحیی میرزا یکی انتخاب جمعی و فردی یکی اینکه باید انتخاب بهفته بعد بماند و یا خیر و باید هر یک تکلیفش معلوم شود .

**تقی زاده** - بلی عرض میکنم چون یکی یکی گفته شده اصلاحات هر کدام بمجلس است ولی در باب مرحوم حسام الاسلام اولاً باید اعتبارنامه اش دیده شود تا بعد معلوم شود و اما در باب مرحوم شاهزاده یحیی میرزا بنده هم با عقیده شاهزاده

اسدالله میرزا شریکم و عرض میکنم وکیل از همان روز که انتخاب شده و بمجلس است و اگر بخواهند این را مینویسند رجوع به حقوق مجلس میکنند فقط چیزهایی که راجع بنظامنامه داخلی است باید مطابق شود از قبیل حقوق و غیره باز عرض می کنم در باب یحیی میرزا از اعتبارنامه ایشان بعضی اطلاعات خارجی هم داریم انتخاب يك نفر بجای او از حق مجلس است و اما در باب انتخاب جمعی و فردی بنده عقیده بجمعی دارم و باید جمعی باشد و در مجلس گذشته هم همینطور بجمعی انتخاب شد اگر بگویند که مجبور بآن نظامنامه هستیم بنده عرض میکنم این عمل داخل باعمال آن مجلس نیست هر وقت که رئیس بعد از رای اظهار کرد که فلانکس با اکثریت آراء بوکالت مجلس منتخب شد وکالت او موافق این اعلان مضمی و صحیح است و اینکه میگویند انتخاب با وکلای محل است عرض میکنم اگر قانون این حق را بآنها داده بلی بنده هم قبول دارم ولی وقتی قانون اجازه نمی دهد پس باید مجلس انتخاب کند و در باب انتخاب هم بنده همان عقیده بانتخاب جمعی دارم مگر در آنجاها که استثناء شده است .

**مؤمن الملک** - اولاً عرض کنم اینکه می گویند هر وکیل وکیل عموم ملت است این را نمیتوان گفت برای اینکه وکلی که در استرآباد انتخاب شده همان وکیل استرآباد است وکیل تهران همان وکیل تهران این بهیچ وجه صحیح نیست بلکه این اصطلاح است و اینکه گفته میشود برای این است که وکیل مجلس شورایی میتواند در باب کارهای عموم ملت و اصلاحات مملکت رای بدهد و ابدأ مجلس نمی تواند هر وکیل را وکیل سی کرور فرض کند و اما در باب انتخاب جمعی و فردی بنده عرض میکنم انتخاب جمعی تقریباً تا بیست سال قبل معمول بوده ولی از آنجا که بعضی اشکالات دیدند از این جهت از بیست سال قبل باین طرف غالباً انتخاب فردی معمول است از آن جمله طایفه ارتجاعیون سابقاً از طایفه خود مدته را می نوشتند در آن عهد دوسه نفر اشخاص کافی را که طرف اعتماد ملت بودند اول ورقه می نوشتند چون مردم اسم آنها را میدیدند باقی راهم قبول میکردند باین جهت انتخاب جمعی موقوف شد و گمان میکنم بهتر انتخاب فردی است و اما اینکه میگویند در مجلس سابق بطور جمعی انتخاب کردیم عرض میکنم بسا هست که در مجلس سابق بعضی بی قانونی ها هم شده و بعضی اعمال برخلاف قانون هم اجراء شده ما نباید آنطور رفتار نمائیم تکلیف ما این است که از روی این نظامنامه که برای مجلس نوشته شده عمل کنیم و گمان میکنم برای آنکه موافق نظامنامه خودمان عمل کرده باشیم بهتر این است انتخاب بطور فردی باشد .

**رئیس** - آقایان وکلا اگر مذاکرات را کافی میدانند رای گرفته شود ( عده گفتند بلی کافی است ) .

**رئیس** - حالا رای گرفته میشود باین طور که عرض میکنم اشخاص که تصویب میکنند انتخاب این پنج نفر برای يك هفته بعد بماند قیام نمایند ( در این موقع بیست و چهار نفر قیام نمودند چون اکثریت نبود تصویب نشد ) .

**رئیس** - معلوم میشود باید امروز انتخاب شود ولی چون فرداً فرد را در يك مورد فرض کردند چون مرحوم شاهزاده یحیی میرزا قبل از انعقاد مجلس مرحوم شده است و آقای حسام الاسلام بعد از انعقاد فوت کرده باید یکی یکی را بگیریم باین طریق اولاً رای میگیریم در باب شاهزاده یحیی میرزا هر کس عقیده دارد که باید عوض او را مجلس انتخاب کند برخیزد .

( در اینوقت از ۵۶ نفر ۳۶ نفر قیام نمودند )  
**رئیس** - در ۵۶ نفر از ۳۶ نفر با اکثریت رای گرفته شد و معلوم شد عوض یحیی میرزا را مجلس باید انتخاب کند حالا در باب مرحوم حسام الاسلام رای میگیریم ( عده گفتند آن که مسلم است محتاج به رای نیست ) .

**رئیس** - خیر رای میگیریم باین طریق هر کس تصویب میکند که يك نفر بجای حسام الاسلام مجلس باید انتخاب نماید قیام کند ( از ۵۶ نفر ۵۲ نفر رای دادند ) .

**رئیس** - با اکثریت آراء از ۶۵ نفر ۵۲ نفر رای دادند معلوم شد که عوض حسام الاسلام را مجلس باید یک نفر انتخاب کند حالا رای میگیریم در اینکه هر کس رای با انتخاب جمعی دارد قیام کند ( در این موقع ۵۳ نفر قیام نمودند ) .

**رئیس** - با اکثریت آراء از ۵۶ نفر ۵۳ نفر رای دادند در اینکه انتخاب جمعی بشود پس بانتخاب جمعی امروز ۵ نفر نماینده انتخاب میکنیم ( غالباً اظهار همراهی کردند ) .

**رئیس** - حالا عرض میکنم اگر در دو دفعه اول اکثریت تام حاصل نشده در دفعه ثالث اکثریت نسبی کافی است ( جمعی اظهار کردند خیر باید رای گرفته شود ) .

**هاشم میرزا** - بنده عرض میکنم قانون برما حکم میکند که باید با اکثریت تام انتخاب بشوند چگونه گفته میشود که با اکثریت نسبی در مرتبه ثالث انتخاب میشود .

**وکیل الریاعا** - بلی در صورتیکه قانون میگوید که باید با اکثریت تام شود چطور میتوانیم با اکثریت نسبی قبول نمائیم .

**تقی زاده** - بنده میگویم البته هر چه بیشتر باید در صدد باشیم که اکثریت تام پیدا شود دیگر اینکه ممکن است که اگر امروز اکثریت تام پیدا نشده باشد از برای روز دیگر و کذا لک هر چه با اکثریت تام معلوم شد قبول شود و باقی بماند برای وقت دیگر تا هر وقت طول بکشد .

**میرزا اسمعیل** - در صورتیکه قانون ما بر این است که باید با اکثریت تام انتخاب کنیم چگونه میتوانیم با اکثریت نسبی انتخاب کنیم  
**رئیس** - این معلوم است که اکثریت تام مناط اعتبار است و اگر در دفعه ثالث اکثریت تام بدست نیامد آنوقت با اکثریت نسبی قبول خواهد شد اعتقاد بنده این است ( بعضی گفتند در این باب رای باید گرفت ) .

**شیخ اسمعیل** - در ماده ۶۲ مصرح است که انتخاب وکیل باید با اکثریت تام باشد .

رئیس - هر کس با کثرت تمام انتخاب شد وکیل مجلس شورای ملی است (در اینموقع نائباً ماده ۶۲ و ۶۳ خوانده شد)

**شیخ اسمعیل هشترودی - قانون موافق**  
این ماده تصویب کرده است که باید اکثریت تمام باشد.

**تقی زاده -** اولاً اینکه گفته میشود که باید در این باب رای گرفته شود بنده عرض میکنم موافقی هست که ممکن است ما مجبوراً کثرت تمام شویم چطور که در اول همین نظامنامه داخلی در باب انتخاب رئیس نوشته شده است و عرض میکنم از این جاها خیلی بسیار است که نمایندگان مجبورند اکثریت تمام بدست بیاورند و اگر بخواهیم این نظامنامه را باینطور که میگویند درست کنیم باید بر آن ماده که نوشته شده است با کثرت تمام انتخاب شود یک ماده دیگر وصل کنیم ما صغری و کبری درست میکنیم صغری را در اینجا داریم ولی یک کبری مفصلی لازم است که آنرا نداریم از این جهت همچو گمان میکنم اکثریت تمام در بعضی جاها اجباری شود

**عز الملك -** در نظامنامه انتخاب تصریح شده است بنا بر این ماده ۶۹ که نظامنامه داخلی است میتوان اگر در دومرتبه انتخاب اکثریت تمام بدست نیامد اکثریت نسبی را قبول کرد

**میرزا اسمعیل** اینکه میفرمایند در نظامنامه سابق تصریح شده است ما باید مطابق نظامنامه بنده عمل نمایم آنجا را کار نداریم اینطور که میگویند ما می خواهیم در واقع یک قانون را نقض کنیم و این ممکن نیست

**اسدالله میرزا -** بنده عرض میکنم فرمایشات آقایان قانونی نیست ولی میگویم همین نظامنامه حل این مشکلات را خواهد کرد و این مسئله در این نظامنامه قید شده است و فرستاده شده است بانجمن آذربایجان و در واقع این نظامنامه حاصل افکار یک ملت است ملت این ماده را تصویب کرده است درست است نماینده باید با کثرت تمام انتخاب شود ولی در نظامنامه نوشته شده است که اگر نشد با کثرت نسبی قبول خواهد شد فرمایش آقای تقی زاده خیلی خوب است و صحیح ولی عرض میکنم نمیتوانم دیگری را مجبور کنم باینکه در باره فلان رای بدهد و بالاخره گمان میکنم بهتر این است که همانطور که جناب رئیس فرمودند در دو دفعه با کثرت تمام باشد و اگر نشد در دفعه ثالث با کثرت نسبی انتخاب میشود

**محمد هاشم میرزا -** اگر بخواهیم در این باب رای بگیریم باید اولاً در قبول اکثریت نسبی لایحه قانونی بیاید قبل از ۲۴ ساعت بگذارد آن وقت رای میگیریم

**نوری -** بنده نمی دانم نباید در مطالب اجتهاد کنیم شخصاً در باب انتخاب نماینده همین ماده است که باید با کثرت تمام انتخاب شود و غیر از این صحیح نیست چه اگر تا یکماه یا دو ماه دیگر هم طول بکشد باید تامل کرد تا اکثریت تمام در باره هر یک از منتخبین یافت شود اما اینکه میگویند من نمی توانم کسی را مجبور کنم باینکه فلان کس را بنویسد این صحیح است باید هر کس آنکه را که قابل میدانند همانرا موافق وجدان خود بنویسد

**وکیل الرعایا -** بنده عرض میکنم مجلس اکثریت نسبی را میتواند قبول کند ولی بعد از آن که این مطلب قانونی شود ولی در قانونی که امروز مادر دست داریم ایستی این منتخبین را با کثرت تمام انتخاب کنیم

**اسدالله میرزا -** در همین نظامنامه این مطلب معلوم شده است و از روی آن باید عمل کنیم **هشترودی -** اینکه میفرمائید در قانون نوشته شده است میتواند نیمساعت نگاه کنند پندار معلوم کند تا تکلیف معلوم شود

**اسدالله میرزا -** ماده را که جناب عز الملك خواندند همین مطلب است محتاج بنیم ساعت تامل نیست و اینکه میگویند نماینده مجلس با نماینده ملت فرق دارد بنده عرض میکنم این را باید تشریح کنند نماینده هر طور که باشد نماینده ملت است و در باب این ماده هم بنده عرض میکنم باید موافق آن عمل کنیم این مطلبی است که راجع شده است بافکار عامه تقریباً و یکی از قوانین اساسی است نمیتوان گفت که آن تغییر داده شود من این ماده را از سایر مواد محکمتر میدانم زیرا که این موافق آراء ملت است و اینطور که میگویند یا باید تغییر را قائل شد یا اکثریت تمام را

**آشرف -** در صورتیکه در نظامنامه ماقید شده است پس میتوان بعد از دو مرتبه با کثرت نسبی انتخاب شود

**شیخ محمد -** اینکه آقایان این ماده را راجع بآن ماده میکنند ما نمیتوانیم ماده را مفسر ماده دیگر قرار دهیم و مخصوصاً در صورتیکه آن ماده صریح است با انتخاب تمام نمیتوان ماده دیگر بر این قرار داد و اینکه میگویند نماینده ملت با نماینده مجلس فرق دارد عرض میکنم فرق از این راه است که یکوقت نماینده ولایات است و از ولایات انتخاب میکنند یکوقت است که خود مجلس انتخاب میکند

**هشترودی -** بنده تا بیداً بقول آقای شیخ محمد عرض میکنم همیشه مفسر باید بعد از مفسر باشد و بنده می بینم آن ماده ماده ۶۲ است و این ماده ۶۹ چطور میتوان این ماده را مفسر قرار داد و مقصود از وکیل ملت و مجلس همان است که آقا فرمودند

**اسدالله میرزا -** اما جواب آقا که میگویند این ماده ۶۲ است و مستقل است عرض میکنم قبول نیست در قوانین بسا از این قبیل هست مثلاً در قانون اساسی می نویسد قضاة معاکم عدلیه را نمیتوان بهر بهانه معرفی کرد و در جای دیگر می نویسد هر کس را نمی توان قاضی محکمه کرد باید قاضی دارای شرایط معلومه باشد از این قبیل بسیار هست که ما مجبوریم بعضی مواد را راجع بمواد دیگر بدانیم (در اینموقع یک ربع تنفس شد و بعد مجلس منعقد شد)

**رئیس -** بعضی از آقایان این ماده را شامل میدانند بعضی شامل نمیدانند بعبارت اخری بعضی میگویند بموجب ماده ۶۷ در مرتبه ثالث اکثریت نسبی کافی است پس ما حالا انتخاب میکنیم یکی دو نفر را و لابد با کثرت تمام خواهد شد و الباقی را استمهال میکنیم تا چند روز بعد شاید موافقت بین آقایان حاصل شده با کثرت تمام آن چند نفر باقی مانده انتخاب شود (در اینموقع ورقه رای توزیع و رای گرفته شد) (عده حاضر) ۵۵ نفر جناب اکثر

علیخان با ۳۰ رای و سلیمان میرزا با ۲۸ رای با کثرت تمام منتخب شدند

**رئیس -** الباقی میماند برای جلسه آتی چون وقت تنگ است و دیروز قرار گذاشتیم مجلس را برای غروب ختم کنیم

**وکیل الرعایا -** این مطلب که جزء نظامنامه داخلی نشد خوب است آن سه نفر دیگر راهم امشب انتخاب کنیم شاید با کثرت تمام انتخاب شدند

**رئیس -** وقت تنگ است و عجلتاً چیزی بگوید فرانت شود راپورت کمیسیون اعتبار نامه است ( راپورت کمیسیون اعتبار نامه را در تصدیق انتخاب حاجی محمد کریم خان وکیل ایل جلیل قشقائی ذکاء الملك فرانت کرد )

**رئیس -** موافق راپورت کمیسیون اعتبار نامه وکالت حاجی محمد کریم خان وکیل ایل جلیل قشقائی را تصدیق کرده است هر کس مطابق این راپورت تصدیق میکند وکالت ایشان را قیام نماید ( تمام وکلا قیام نمودند )

**رئیس -** اتفاق تام حاصل است و جلسه آتی فردا سه ساعت بغروب مانده است موضوع مذاکرات اول انتخاب سه نفر نماینده دیگر است بعد فرانت تلگرافات واصله از نجف اشرف و کاغذ انجمن ارامنه و انتخاب هیئتی از برای اشرف بحضور حضرت اقدس آقای نایب السلطنه از برای تبریک روز عید ( مجلس نیمساعت از شب گذشته ختم شد )

جلسه ۲۴

مذاکرات یوم پنجشنبه نهم شهر

ذیحجه الحرام ۱۳۲۷

(بدو در دو ساعت و ده دقیقه بغروب مانده مجلس خصوصی تشکیل و پس از مدتی تنفس شد و در سه ربع بغروب مانده جلسه علنی تشکیل شد و خلاصه مذاکرات را معاضد الملك فرانت کردند)

**میرزا داود خان -** یک فقره که دیروز رای گرفته شد فقره استمهال بود و در صورت خلاصه ذکر نشده

**رئیس -** صحیح است

**وکیل التجار -** در خصوص مصطفی قلیخان بنده دیروز صورت نوشتم و مطابق صورت بنده ۲۶ رای است و در اینجا ۲۵ رای نوشته بود

**رئیس -** اینطوریکه نوشته شده است بعد از مطابقت کردن با چند صورت است و صحیح است یک نفر نماینده امروز بر عده هیئت مجلس افزوده شده کمال امتنان حاصل است و آن یک نفر آقای حاجی میرزا کریم خان وکیل ایل جلیل قشقائی است امیدواریم از افکار صائبه ایشان در راه ترقی مملکت استفاده کلی حاصل نمایم (در این موقع مقدم ایشان را عموم وکلا تبریک گفتند)

**رئیس -** بطوریکه در صورت مجلس نوشته شده است انتخاب سه نفر دیگر نماینده با امروز موکول بود و لکن بطوریکه در جلسه سابق مذاکره شد یک محظور قانونی پیش آمده است و آن این است که آیا مفاد ماده ۱۹ را شامل ماده ۶۲ میتوانیم بدانیم یا خیر باین مناسبت اینمطلب هنوز حل نشده است و مسلم است اگر امروز ما میتوانستیم یک دوره انتخاب دیگر میکردیم چنانچه در جلسه سابق کردیم شاید یکی دو نفر هم امروز با کثرت تمام انتخاب میشدند